

توسعه مسئولیت مدنی در جرائم رسانه‌ها و مطبوعات

دکتر علی فقیه حبیبی^۱

عباس صفایی فر^۲

چکیده:

مطبوعات و رسانه با تکیه بر اصل آزادی بیان ناگزیر به ارائه تحلیل‌ها، گزارش‌ها، نقدها و گفتگوها و انتقال اندیشه‌ها می‌باشند. در میانه این مسئولیت، ناخواسته ممکن است مطالبی ارائه شود که حمل بر توهین یا افتراء گردد. این مقاله می‌کوشد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا می‌توان برخی از جرائم رسانه‌ای و مطبوعاتی را شبه‌جرم تلقی نموده و با جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد حکم قرار داد؟ این پرسش با رویکرد رسالت مطبوعاتی و رسانه‌نگاران طرح گشته و ضرورت فهم و امکان غیرجزایی‌سازی برای رسانه‌ها از همین اصل آزادی بیان و احسان و ترویج قول احسن برخاسته است. هدف مقاله حاضر تقویت و توسعه رویکرد مسئولیت مدنی است.

کلید واژه: مطبوعات، رسانه، مسئولیت مدنی، غیر جزایی سازی، آزادی بیان،

مجازات.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی و دانشجوی کارشناس ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

تحولات سه دهه اخیر و رشد فزاینده رسانه‌ای ارتباط جمعی و تأثیر فوق‌العاده و اعجاب‌آور آن بر زندگی خصوصی، اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی موجب توجه خاص دولتها و حکومت‌ها به کار ویژه‌های رسانه‌ای شده است. جرم‌انگاری کشورها در حوزه رسانه نسبت مستقیم با رویکرد آزادی‌گرا و اقتدارگرایی آنها دارد.

دولت‌های اقتدارگرا همواره و در طول تاریخ با ستیز و قهر و غلبه با رسانه‌ها رفتار کرده و در نتیجه تورم کیفی و مجازات‌های سنگین رسانه‌نگاران یکی از عوامل کنترل حکومت‌ها بر رسانه بوده است.

از سال ۱۹۹۰ تأکید سازمان ملل متحد و یونسکو به آزادی‌سازی فضای رسانه‌ای با شعار رسانه‌های تکثرگرا، مستقل و آزاد بسوی تغییر رویکرد سیاست کیفی به توسعه قلمرو مسئولیت مدنی رسانه و جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان بوده است بر این اساس در توصیه نامه‌های متعدد و قطعنامه‌های مختلف همراه با شورای اروپا خواستار غیرجزایی‌سازی جرم افترا و توهین به عنوان یکی از مهمترین عناوین مجرمانه‌ای که به بهانه آن دولتها به سرکوب و زندانی کردن روزنامه‌نگاران و نقض آزادی بیان و مطبوعات اقدام نموده‌اند، شده است. طی بیست سال اخیر تقریباً اکثر کشورها بسوی مسئولیت مدنی و تغییر رویه کیفی گام برداشتند به نظر می‌رسد قانونگذار ایران نیز با درک این مسئله با طرح لایحه «قانونی رسانه‌های همگانی» تلاش‌های مثبتی را شروع کرده است اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌گردد که رسانه‌های سایبر (فضای مجازی) با سرعت روبه افزایش هستند در آخرین آمار و گزارش یونسکو بیش از ۱/۷ میلیارد صفحه بلاگ وب سایت و ... کاربرد رسانه‌ایی دارند در ایران نیز گرچه آمار دقیقی در دست نیست لیکن مراکز مسئول (شورای عالی اطلاع رسانی) بالغ بر ۲/۵ میلیون برآورد نموده‌اند. ویژگی فضای مجازی قانونگذاری خاص و ویژه می‌طلبد و با اتکاء به قوانین جزای کلاسیک نمی‌توان پاسخگوی نیاز جامعه و مردم بود برای بستر سازی حرکت بسوی قانونگذاری بین‌المللی رسانه‌های سایبری لازم است زمینه‌های حقوقی مناسب فراهم آید از جمله کیفرزدایی از جرایمی همچون افتراء و توهین و هتک حرمت ... می‌تواند مقدمه پذیرش نظام مسئولیت مدنی و توسعه قلمرو آن در رسانه‌های سایبری و مطبوعات باشد، گرچه مسئولیت مدنی امر جدیدی نیست ولی توسعه آن رویکردی نوین است ذکر

این نکته ضروری است که به موجب احکام اسلام «قذف» اگرچه افتراء محسوب می‌شود و لیکن از شمول این تحقیق خارج است و در غیر جزایی سازی عناوین به قذف پرداخته نمی‌شود. اینک پرسش اینست که با توجه به نظام حقوقی ایران و مبانی فقه امامیه چگونه می‌توان با غیر جزایی سازی و شبه جرم تلقی نمودن برخی جرایم توسعه مسئولیت مدنی را تحکیم بخشید، مطبوعات و رسانه با تکیه بر اصل آزادی بیان ناگزیر به ارائه تحلیل‌ها، گزارش‌ها نقد و گفتگو و انتقال اندیشه‌ها می‌باشند در میانه این مسئولیت ناخواسته ممکن است مطالبی ارائه شود که حمل بر توهین یا افتراء گردد.

سؤال اصلی تحقیق

اینک سؤال اصلی تحقیق اینست: آیا می‌توان برخی از جرایم رسانه‌ای و مطبوعاتی را شبه جرم تلقی نموده و با جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد حکم قرار داد؟ این پرسش با رویکرد رسالت مطبوعاتی و رسانه‌نگاران طرح گشته و ضرورت فهم و امکان غیر جزایی سازی برای رسانه‌ها از همین اصل آزادی بیان و احسان و ترویج قول احسن برخاسته است در راستای همین پژوهش می‌توان به سؤالات دیگری اشاره کرد که باید پاسخ مناسب بدان داده شود و از اهمیت برخوردار است تا بتوان رویکرد مسئولیت مدنی را تقویت و توسعه داد.

توسعه مسئولیت مدنی در جرائم رسانه‌ها و مطبوعات

ابتدا مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات را طرح نموده و ضرورت گسترش و توسعه مسئولیت مدنی از دوسو، بدین معنا که از طرفی رسانه‌ها و مطبوعات با درک دقیق‌تر مسئولیت اخلاق حرفه‌ای حریم اشخاص را بهتر و بیشتر رعایت نمایند و عندالاقضاء مسئولیت جبران خسارت را بپذیرند، از سوی دیگر اشخاص رویکرد دعاوی کیفری را به مسئولیت مدنی تغییر جهت داده و روش‌های پیگیری جبران خسارت را به آزمون بگذارند - گسترش ادبیات حقوقی مسئولیت مدنی در میان مدت نه تنها برای کارکردهای حرفه‌ای مؤثر است بلکه منجر به ایجاد فرهنگ نوین حقوقی مبتنی بر فاصله‌گذاری بین خویش و کیفر و درخواست جبران زیان در زمان وقوع شبه‌جرم و تخلفات از سوی مؤسسات مطبوعاتی حقوقی و یا حقیقی می‌گردد و، برای زیان‌دیده بهتر خواهد بود. در همین راستا ضمن آنکه

در اندیشه‌های حقوقی مسئولیت توأمان مدنی و کیفری جرم هتک حرمت، افتراء و توهین - پذیرفته شده است لیکن تأکید ما بر غیر جزایی سازی (تلقی شبه جرم) به منظور صیانت از حق آزادی بیان و حقوق مخاطبان است. رویکرد اسلام و فقها به مسئله تغییر حکم در خصوص امکان غیر جزایی سازی جرم افتراء و توهین مطالبی ارائه خواهیم کرد.

- نحوه جبران خسارت زیان دیده یا بزه دیده را می توان بصورت مسئولیت شخصی و تضامنی پی گرفت و می توان مسئولیت مدنی دولت را نیز بنحوی پیوند زد. دولت با ارکان و نهادهای بیمه‌ای خاص بدین مسئولیت یاری رساند و بعد از تثبیت عملاً بعهده نهاد بیمه و رسانه قرار گیرد.

قوانین موضوعه حاکم بر مسئولیت مدنی

الف) مسئولیت توأمان مدنی و کیفری در قانون مطبوعات ایران

مسئولیت کیفری رسانه‌ها و مطبوعات در نظام حقوقی ایران توأم با مسئولیت مدنی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم می باشد. شخص می تواند جبران خسارت خود را ضمن مجازات کیفری تقاضا نماید. اما بنظر می رسد مسئولیت توأمان کیفری و مدنی به معنای یکسانی جرم در جرایم مطبوعاتی نیست. بلکه جرم مطبوعاتی تفاوت‌هایی دارد از جمله در جرایم عمومی قصد مجرمانه شرط است که در مطبوعات حاصل اصلی تحقق خارجی جرم است. بنابراین با لحاظ این مسئولیت نمی توان در همه موارد این گونه قضاوت کرد بر این اساس رویه قضایی تاکنون در حوزه مطبوعات چنین بوده که اگر فرد مسئولیت کیفری مدیران مطبوعات را هدف گرفته دادگاه در رسیدگی فقط بدان توجه داشته است و موردی سراغ نداریم که همزمان و توأمان مسئولیت کیفری و مدنی را مورد حکم قرار داده باشد گرچه در قالب رسیدگی کیفری جریمه با جزای نقدی حکم کرده‌اند اما پرداخت خسارت در حق مدعی تاکنون سابقه نداشته است چنانچه مدعی بر اساس مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات اقدام نموده نیز دادگاه فقط به همین مسئله توجه داشته است و نسبت به آن حکم به خسارت صادر نموده و مجازات کیفری رها شده است. مدیر مسئول نشریه باور به دلیل چاپ شعر دیگری به پنج میلیون ریال خسارت محکوم گردید.

از سوی دیگر مسئولیت مدنی در حقوق مطبوعات به دلیل شرایط خاص رسانه و ضرورت فهم نظام مدرن رسانه‌ای متفاوت با نگرش سنتی به مسئولیت مدنی است لیکن ابزار مسئولیت مدنی یا ویژگی انعطاف‌پذیری و قابلیت تطبیق آن در موارد متعدد از برجستگی و قوت آن است که در حقوق رقابت مدرن و توسعه بخش‌های اقتصادی جهان به خوبی می‌تواند از عهده برآید. حال آنکه مسئولیت کیفری و اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ضرورت تصریح قانون به فعل مجرمانه از عواملی است که در حوزه مطبوعات ممکن است در انطباق با مشکل مواجه شویم. بنابراین تمایل درونی و اقتضاء رسیدن به حق شهروندان تأکید بر مسئولیت مدنی و پرداختن بدان است اما روش شروع به پیگیری در سیستم قضائی بطور سنتی افراد را به سوی شکایت کیفری می‌کشاند.

ب) مسئولیت مدنی رسانه‌ها در ایران

مسئولیت مدنی در تمامی امور زندگی بشر امروز جریان دارد. بویژه با تخصصی شدن مشاغل و حرف مسئولیت از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین از دیدگاه حقوق ایران مسئولیت مدنی بر ۱- وجود ضرر، ۲- فعل عامل زیان و ضرر، ۳- وجود رابطه سببیت یا علیت بین زیان حاصله و فاعل زیان. در صورت تحقق این شروط باید جبران خسارت شود مطبوعات و رسانه‌نگاران نیز در ایفای نقش و مسئولیت خویش ممکن است عملی مرتکب شوند که باعث ضرر و زیان به شخص یا اشخاص شود و این می‌تواند زمینه مسئولیت مدنی رسانه باشد. بی‌تردید در صورتی که مدعی ورود خسارت بخود بتواند ثابت نماید که عمل روزنامه باعث ضرر مادی یا معنوی به وی شده است و ارکان آن را به اثبات برساند بدون تردید رسانه موظف به جبران خسارت می‌گردد. اما سؤال مهم اینست که چه عملی موجب مسئولیت مدنی است نظریات طرح شده در حوزه مسئولیت مدنی عام است و نسبت به رسانه و مطبوعات نیز از همان ویژگی برخوردار است فقط انگیزه شرافتمندانه اهل قلم یک رکن اصلی تعیین‌کننده حمایت از آنان در دادرسی است. مبانی رایج عبارت از نظریه تقصیر- فرض تقصیر- ایجاد خطر- تضمین حق که شایع‌ترین آنان است.

I. نظریه تقصیر

تقصیر از مهمترین عناصر مسئولیت مدنی است که از دیرباز تا امروز مطرح است و قانون م. م در ایران نیز این نظریه را اصل پنداشته است. عدول و فراتر رفتن از حدود متعارف نسبت به هر عمل یا موضوعی را می‌توان تقصیر دانست عناصر سه گانه مادی، قانونی و معنوی در هر فعلی لازم است.. انجام فعل مادی مطبوعاتی که عمل مثبت و زیان‌بار است، و عنصر قانونی نیز در قانون مطبوعات یا مجازات اسلامی است، عنصر معنوی عدم رعایت نظامات، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدول از حدود متعارف می‌تواند عنصر معنوی تقصیر باشد. البته فعل زیان‌آور باید قابل استناد به خواننده باشد و موضوع آن متقابلاً نسبت به مدعی هم قابل صدق باشد.

تقصیر می‌تواند قابل اغماض و گذشت باشد چنانچه اثر جدی بر آن بار نشود و یا عرف آن را جدی نپندارد و قابل گذشت بداند جزئی است، ولی تقصیر سنگین قابل گذشت نیست و عرف هم آن را دارای ابعاد تأثیرگذار می‌داند لذا هر کجا تقصیر سنگین باشد به قاعده قابل گذشت نیست. این تقصیر نوعی است.

زیان‌دیده از تخلف روزنامه لازم نیست که به مواد قانونی یا ق. م. م و مطبوعات اشاره کند چون رویه قضایی و تشخیص قاضی با استناد به ماده ۸ ق. م. م و ق. مطبوعات ۱۳۶۴ نسبت به صدور حکم و در صورت لزوم جبران خسارت اقدام می‌نماید. در قانون ایران اصل بر تقصیر است و رویه قضایی نیز به تقصیر گرایش دارد.

پژوهش‌های حقوقی در مجله حقوقی
پایه علمی و تخصصی
مجله علمی و تخصصی
پایه علمی و تخصصی

II. نظریه ایجاد خطر

بوجود آوردن زمینه کاری که ممکن است منجر به خطراتی شود همانگونه که از سود و مزایای آن برخوردار است باید مسئولیت زیان‌آور بودن و خطر ایجاد شده را نیز بپذیرد. «فله الغنم فعلیه الغرم» این مسئله صرفاً در مورد کارخانه یا مؤسسه تولیدی نیست هر کاری و از جمله مطبوعات و رسانه‌ها می‌توانند در ذیل همین مفهوم قرار بگیرند. بر این اساس برای مدیر مسئول فرض تقصیر می‌شود و از نظر قانون م. م ایران مسئولیت برای دارنده حق و امتیاز قطعی و مسلم فرض می‌شود در حقوق مسئولیت مدنی فرانسه نیز همین مسئله صادق است. چنانچه رسانه با تبلیغات خود از کالایی موجبات تخریب دیگری را فراهم آورد و به

او زیان و خسارتی وارد نماید مسئول است. چنانکه در تبلیغات انتخاباتی می‌توان به همین نظریه توسل جست و روزنامه‌نگار یا رسانه خاطی را مورد مؤاخذه قرار داد. البته نحوه ثبوت و اثبات خطر مراحلی دارد که باید بر طبق قواعد عام مسئولیت مدنی تطبیق صورت پذیرد.

III. نظریه تضمین حق یا نظریه استارک

دو نظریه قبلی تقصیر و خطر مطالبه خسارت بدلیل آثار و عملکرد خسارت‌بار است که در جای خود به اثبات رسیده است. لیکن نظریه تضمین بر مبنای اینکه هیچ‌کس زیانی بدون جبران باقی نخواهد ماند و بر این اساس مطبوعات و رسانه‌ای که عامل ورود زیان به شخص یا اشخاص بوده است باید نسبت به تأمین و جبران خسارت مسئول باشد، استوار است. اگر روزنامه یا رسانه در استفاده از حق کسب خبر، حق انتشار آزادانه و حق بر اطلاعات به حریم خصوصی افراد وارد شود و یا اخباری را منتشر سازد که به حیثیت و شرافت یا حریم خصوصی فرد لطمه و زیان وارد آورد باید برای جبران خسارت اقدام نماید. عدول از مقررات قانونی و سوء استفاده از حق باید به اثبات برسد و بطور کلی در مسئولیت مدنی بر مبنای سه رکن پیش‌گفته اثبات زیان و رابطه فاعل و علیت بر عهده مدعی است و با اثبات آن محق خواهد بود. البته نظریه مذکور باید رابطه معقول و تناسب منطقی بین حق آزادی بیان، حق خصوصی شهروند و حقوق عمومی چنان موازنه برقرار کند و در نهایت قاضی حکم نماید که اصل آزادی مطبوعات محدود نشود و از این حیث آسیب وارد نیاید و البته حق خصوصی زیان‌دیده نیز باید جبران و تضمین شود، این نظریه توسط بوریس استارک مطرح شد و بنام نظریه استارک نیز شهرت دارد. البته نظریات فرعی و مباحث دیگری نیز مطرح است که چون بنای تحقیق بر آن استوار نیست به همین مقدار بسنده می‌شود.

مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات در قلمرو حقوق فردی

مسئولیت مطبوعات و مدیران و دست‌اندرکاران رسانه‌ها تابع نوع عمل آنان است لیکن بر اساس ق. ک ایران در ماده ۳۰ و ۳۱ ق. مطبوعات تخلفات و جرایمی که با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با رضایت وی پایان می‌یابد در حوزه حقوق فردی است. جرایم

خاصی که دارای مسئولیت مدنی نیز می‌باشد به موجب قانون عبارت از سرقت ادبی است. تبصره ۱ ماده ۶ در بند ۲۰- نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از مطالب و آثار دیگران به خود یا غیر جرم دانسته است و علاوه بر مسئولیت مدنی رسانه دارای مجازات کیفری نیز می‌باشد و باید جبران خسارت نماید. تقلید نام یا استفاده از علامت نشریه دیگری نیز از جمله محدودیت‌های مطبوعات است و بند ج ماده ۷ ق.م بر آن تأکید نموده است و استفاده کننده دارای مسئولیت مدنی جبران خسارت و در صورت لزوم مجازات کیفری است. تهدید اشخاص به توسط مطبوعات به موجب ماده ۳۱ ق.م نیز جرم است و فاعل آن علاوه بر جبران خسارت ممکن است به مجازات مقرر کیفری نیز محکوم گردد.

افشای اسرار دیگران نیز توسط رسانه و مطبوعات جرم است، گرچه در ق.م.ا در ماده ۶۴۸ آمده است ولی چنانچه در مطبوعات تهدید صورت پذیرد علاوه بر مسئولیت مدنی جبران خسارت مادی و معنوی با مجازات قانونی نیز مواجه می‌گردند.

موارد دیگری که به هر شکل حقوق افراد را مورد تهدید قرار دهد از مصادیق نقض حق است و ممکن است موجب مسئولیت مدنی رسانه‌نگار یا مطبوعات گردد. در خصوص نحوه جبران خسارت در این قلمرو پرداخت ضرر مادی، الزام به درج جوابیه، عذرخواهی نیز ممکن است مورد حکم قرار گیرد.

مسئولیت مدنی رسانه در قلمرو حقوق عمومی

قلمرو امنیت و نظم عمومی و رعایت نظامات اجتماعی محدودیت‌هایی برای رسانه و مطبوعات به همراه دارد که در صورت نقض این حدود رسانه و رسانه‌نگار مسئول است. در حوزه حقوق فردی خسارت به فرد وارد می‌شد در حالی که اهمیت قلمرو عمومی بدان جهت است که ضرر و زیان وارده به اجتماع و نظام اجتماعی می‌باشد لذا قانونگذار برای صیانت از نظم عمومی همواره مجازات خاطی را مورد توجه قرار می‌دهد.

گرچه قانون حافظ منافع افراد و جامعه است و به عبارتی حمایت از نظم عمومی حمایت از حقوق فردی نیز می‌باشد ولی در حوزه نظم و امنیت با گذشت شاکی دعوا پایان نمی‌یابد و متوقف نمی‌شود بلکه به عنوان جرم عمومی مورد حکم قرار می‌گیرد. در این حوزه معمولاً

جرایمی همچون اقدام علیه امنیت کشور، افشای اسرار نظامی و سیاست خارجی، جاسوسی، توهین به مقامات و مقدسات از جمله این جرایم هستند.

بنظر می‌رسد قانونگذار افتراء، توهین و هتک حرمت را نیز در ردیف هر دو مسئولیت مدنی و کیفری قرار داده است و با توجه به اینکه اکثر شکایات مطروحه علیه مطبوعات همین جرایم می‌باشند، تقویت مسئولیت مدنی و تأکید بر جبران خسارت با اهداف قانون و نظم عمومی و رعایت حقوق فردی به صلاح نزدیکتر باشد و بتوان بر این اساس حکم صادر کرد.

مسئولیت مدنی در اسلام

مسئولیت مدنی در اسلام، مسئولیت مطلق است، یعنی هم شامل تقصیر و هم بی‌تقصیر می‌شود و در مباحث مربوط به ضمان قهری در اتلاف و تسبیت و سبب اقوی از مباشر فقها بحث کرده‌اند.

۱. قاعده اتلاف

به موجب قواعد فقهی و احادیث و روایات وارده هر کس مال دیگری تلف نماید چه قصد داشته باشد چه قصد نداشته باشد ولی عمل وی منجر به تلف مال شود مسئول جبران خسارت است. برای این منظور فقهاء با استناد به جمله معروف «من اتلف مال الغیر و هوله ضامن و یا «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» حرمت مال مسلمان همچون حرمت خون آنان است. لذا این قاعده شامل همه مواردی که منجر به تلف شود می‌گردد و از مبانی مسئولیت مدنی اشخاص است بحث‌های مفصل فقهی در کتب فقها بطور مبسوط آمده است. قانون مدنی در مواد ۳۲۸-۳۳۹ و ۳۳۰ این قاعده را پذیرفته است.

۲. قاعده تسبیت

چنانچه در تلف مال غیر به هر نحوی شخصی سبب باشد و یا اعمال او از اسباب ورود زیان و خسارت بشود مسبب آن مسئول است و باید نسبت به جبران خسارت اقدام نماید. لیکن در نحوه تحقق و تعریف تسبیت اختلاف نظر بین فقها و حقوق‌دانان از دیرباز تا امروز وجود داشته است.

کتاب شرایع سبیت را چنین تعریف کرده است: کل فعل يحصل التلف بسببه» هر فعلی که به سبب آن موجبات تلف فراهم شود، و در کتاب دیات آمده: ما لولا لما حصل التلف لکن عله التلف غیره». فعلی که اگر آن فعل نبود این تلف حاصل نمی‌شود، ولی علت مستقیم آن چیز دیگر است، سبب نامیده می‌شود. در مسئولیت مدنی مسبب به سبب نزدیک، سبب مقدم التاثر و سبب دور اشاره شده است که رویه قانونی مثلاً سبب مقدم التاثر را بیشتر مسئول می‌داند و این شخص مسئول جبران خسارت است.

صورت دیگر آنکه اگر سبب اقوی از مباشر باشد چنین سببی بدلیل قوت و تأثیر بیشتری که نسبت به مباشر دارد دارای مسئولیت مدنی است و اسلام این شخص را مسئول جبران خسارت و ضرر و زیان می‌داند.

غیر جزایی سازی مبتنی بر قانون برنامه چهارم توسعه ماده ۱۳۰ و قانون

برنامه پنجم توسعه ماده ۲۱۱

چهارمین مسئله‌ای که می‌تواند ما را در کیفرزدایی از جرایم توهین و افتراء هتک حرمت یاری دهد و موجبات قانونی تغییر را فراهم آورد ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) است که بیان می‌دارد:

«قوه قضائیه موظف است لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذی صلاح برساند:

لایحه «جرم‌زدایی از قوانین کیفری» ...

لایحه «جایگزینی‌های مجازات حبس» ...

لایحه «حمایت از حقوق شهود و متهمان» ...

لایحه «حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی» ...

و موارد دیگری که مربوط به حقوق شهروندی-حفظ حریم خصوصی اشخاص-تعریف جرم سیاسی و ... در این برنامه آمده است بند اول که جرم‌زدایی است شاید در حوزه رسانه‌ها و مطبوعات بتوان با قاطعیت بیان کرد که امکان غیرجزایی‌سازی بیش از ده عنوان که اکنون جرم تلقی شده وجود دارد و در مابقی جرایم نیز می‌توان حبس‌زدایی کرد و مجازات سختگیرانه همچون لغو امتیاز که در حکم اعدام است را نیز لغو کرد و جبران خسارت یا جریمه نقدی را مبنای مجازات‌های جایگزین در نظر گرفت.

مبانی غیرجزایی سازی از دیدگاه فقهی اسلام

ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا از دیدگاه اسلام امکان تغییر حکم وجود دارد؟ اگر گفته شود که حکم زندان یا شلاق از احکام لایتنیغیر است چگونه می توان تغییر مجازات داد؟

از دیرباز یکی از کارکردهای مهم شریعت و فقه اجتهاد و قانونگذاری بوده است. تدوین «مجله الاحکام العدلیه» که در اواخر دوره عثمانی انتشار یافت از مهمترین این قانونگذاری-هاست و سپس با تغییر موضوعات احکام و شرایط زمانی و مکانی به توسط استاد بزرگ الازهر مصر شیخ محمد مصطفی الزرقار تغییر بسیار کرد، گرچه متعصبان فراوانی بر او خرده گرفتند ولی وی با استدلال شرعی پاسخگوی اعتراضات شد. و سپس علامه سیدمحمد رشید رضا به اقتضای شرایط زندگی فتوهای جدیدی صادر کرد که در شش جلد تحت عنوان «مجله المنار» و «تفسیر المنار» گردآوری شده است. شیخ محمود شلتوت امام الازهر و شیخ مصطفی الزرقار شیخ محمد عبده، شیخ عبدالمجید سلیم و ... فتاوی جدید مبتنی بر یافته نوین بشری و جهان امروز صادر کرده و در مصر طی بیست و دو جلد «مجله الاحکام الاسلام» انتشار یافته است.

در فقه امامیه نیز فقهاء عظیم الشان در طی قرون و اعصار گذشته با توجه به نیازها مقلدان و پرسش پژوهشگران با اقتدا به مبانی شرعی و ضرورت فقه پویا و فهم زمان و مکان و تحول در موضوع احکام فتاوی نو صادر کرده اند در عصر ما نیز می توان از حضرت آیت الله خمینی، خویی، منتظری، صانعی و ... نام برد- که عناوینی را تغییر داده و حکم گذشته را با استنباط فقهی و اصولی خود مشروع و مجاز اعلام کرده اند. مثل مجسمه سازی- تصویرگری- خرید و فروش خون- تشریح جسد- شطرنج ... مبنا و علل تغییر احکام در تغییر مکان- زمان- شرایط و عرف. تغییر اطلاعات و داده ها و دانسته های بشری تغییر در نیازها و ضرورت های زندگی مردم- تغییر در توانایی ها و امکانات و فن آوری و دانش بشری- عمومیت یافتن یک مسئله- تغییر در اندیشه ها و دیدگاه ها و باورها و تغییر در اوضاع اجتماعی اقتصادی و سیاسی جهان و جامعه مسلمانان و ضرورت احیای دائمی و به روز بودن عمل مسلمان از علل اصلی تغییر فتوا و احکام شمرده شده است. استنباط این تغییرات از طریق علماء و فقها با تکیه بر روایات و احادیث و آیات شریفه قرآن است ابن قیم جوزیه در

کتاب «اعلام المواقین» تحت عنوان دگرگونی‌های فتوا بر اثر تغییر زمانی مکان و عرف و حال و بطور مبسوط مطالب و روایات و آیاتی را به عنوان شاهد، نگاشته است، بر همین اساس در ماده ۳۹ مجله الاحکام آمده است: «نمی‌توان منکر تغییر احکام بر اثر تغییرات زمان بود».

از نگاه فقیهان در شریعت یک دایره قطعیات وجود دارد که گرچه محدود و اندک است و لیکن قابل تغییر نیست و در بقیه موارد تغییر و تشخیص به عهده فقها و علماء امت اسلام است.

در حدیث سلمه بن الاکوع در صحیح بخاری آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هرکس از شما قربانی کرد، نباید پس از سه روز، گوشتی از آن در منزلش باقی مانده باشد». ولی سال بعد که شد فرمودند: بخورید و بخورانید و ذخیره کنید؛ زیرا آن سال مردم در مشقت بودند. می‌خواستم به یاری آنها بشتابم.^۱ در روایت دیگری منقول از عایشه آمده که: حضرت بدین جهت شما را نهی کرد چون گروه‌هایی از مردم از بیرون وارد شهر شده بودند». این یک مثال روشن از تغییر فتوا به دلیل تغییر شرایط است.

در زمان خلیفه دوم - زکاه اسب یک دینار شد. عبدالرزاق بیهقی به نقل از یعلی بن امیه روایت کرده، روزی عبدالرحمن برادر یعلی. از مردی از اهل یمن اسب ماده‌ای به صد اسب جوان معامله کرد، فروشنده پشیمان شد و نزد عمر رفت عمر یعلی را فراخواند و او داستان معامله را گفت - عمر گفت نمی‌دانستم اسب اینقدر ارزش دارد ما از ۴۰ گوسفند جوان یک راس زکاه می‌گرفتیم اکنون فرمان می‌دهم که از هر اسب یک دینار زکاه گرفته شود^۲ حدیث را الطحاوی در شرح معانی الآثار کتاب الزکاه ۳۶/۴ - و بیهقی در الکبری آورده است. تغییر حکم و فتوا به دلیل تغییر زمان و شرایط و مکان بوده است. از امام علی (ع) و پیامبر اکرم نیز موارد متعددی نقل شده است، مثلاً مجازات شرب خمر که در زمان رسول الله (ص) مجازات خاصی نداشت و تعزیری بود. عقبه بن الحارث روایت کرده است که ابن نعیمان را در حالی که مست بود نزد پیامبر خدا (ص) آوردند، حضرت بر او خشم گرفت و

^۱ - تفسیر المنار، انفال آیه ۶۶ و ۶۵.

^۲ - صحیح بخاری در الاضاحی ۵۵۹۶ - و مسلم در الاضاحی ۱۹۷۴ به نقل از مسلم بن الاکوع روایت کرده‌اند.

به حاضران در خانه فرمان داد تا او را شاخه نخل و نعلین بزنند و من نیز در شمار آنان بودم.^۱ گرچه بعد حکم شرعی ضرب و جلد مطرح شد. هرچند میزان معین نشد لذا در زمان خلیفه اول ۴۰ ضربه شلاق بود و در زمان خلیفه دوم عمر فرمان داد ۸۰ ضربه شلاق بزنند، آورده‌اند که برای افتراء عمر فرمان داد ۸۰ ضربه شلاق بزنند - چون گفته است کسی که مست می‌شود هذیان می‌گوید و هرگاه هذیان گویند، افتراء می‌بندند بنابراین باید حد شرب خمر را همان حد افتراء بستن در نظر گرفت و به همین دلیل عمر بن الخطاب حد افتراء را هشتاد ضربه شلاق قرار داد^۲ در همین روایات آمده که حضرت علی (ع) شرب خمر را ۴۰ ضربه شلاق می‌زده است و به اصلاح شخصیت فرد و اصلاح‌پذیری متهم توجه داشته است. رویکرد سهل‌گیرانه حضرت علی (ع) در مجازات‌ها و جرم اشخاص قابل توجه است و کتاب سنن الدار قطنی ج ۳ ص ۱۵۷ به بعد با تحقیق سیدعبدالله هاشم یمانی مطالب دیگری نیز آورده است. بطور کلی شیوه استنباط ناظر بر روش اصولی، اصولی احتیاطی و اخباریگری و حدیثی است، با درک صحیح این شیوه‌ها می‌توان دریافت چگونه فقهای اصولی در اسلام همواره به دنبال کشف و پذیرش احکام بودند.^۳ با اکتفاء به همین مقدار می‌توان دریافت که در اندیشه اسلام اولاً می‌توان نسبت به تغییر احکام بنابر تفسیر موضوع آن اقدام کرد و دیگر اینکه اصولاً در اکثر مواردی که ما با آن سروکار داریم از دایره قطعیات خارج است و با توجه به یکی از عوامل و معیارهای پیش‌گفته می‌توان تغییر حکم و فتوا را پذیرفت.

بر این اساس و با توجه به شرایط امروز و روند روبه‌رشد تکنولوژی رسانه‌ها و رویکرد اصلی مطبوعات مبنی بر آگاهی‌دادن به جامعه و قصد توزیع عادلانه اطلاعات و دانایی تغییر عناوین مجرمانه و پذیرش مسئولیت مدنی و توسعه این رویکرد در جامعه مطبوعاتی و رسانه‌ای مطلوب شرایط فعلی است و هیچ مغایرتی با احکام و مبانی فقهی ندارد. با همین رویکرد می‌توان به جس‌زدایی و تغییر مجازات‌ها و جایگزینی آن اقدام نمود در این خصوص تحقیقات مفصلی در معاونت آموزش قوه قضائیه انجام شده و این تحقیقات ادامه دارد به نظر می‌رسد اقدامات عملی نیز آغاز شده است مثل زندان باز با کنترل الکترونیکی

^۱ - بخاری در الحدود ۶۷۸۱ و نسایی در السنن الکبری در الحد فی الخمر ۵۲۶۸.

^۲ - عبدالرزاق در «مصنف» ۳۷۸/۷ روایت کرده است.

^۳ - جناتی، محمدابراهیم، ۱۳۸۵، فقه و زمان، قم، ایثارگران اندیشه دینی.

زندانی و ... بنابراین می‌توان اکنون از قشر فرهیخته و فرهنگی جامعه که رسانه‌نگاران و نویسندگان می‌باشند آغاز کرد و مجازات شلاق را حذف نمود و بجای زندان نیز تدابیر جایگزین تأمینی و تربیتی در نظر گرفت.

مسئولیت مدنی رسانه‌های ایران در مقایسه با دیگر کشورها

بنظر می‌رسد مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات در حوزه‌های مختلفی متصور است لیکن شایع‌ترین موارد را می‌توان بشرح ذیل - حریم خصوصی اشخاص - هتک حرمت - نقض حق مالکیت معنوی (فکری) نام برد در حوزه سلامت عمومی و نظم عمومی که بیشتر با حقوق عمومی و حاکمیت روبرو است وجه جزایی آن بسیار برجسته است و اگر جنبه مسئولیت مدنی داشته باشد با عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم قابلیت پیگیری دارد. رسانه در قوانین متفرقه دیگری همچون تبلیغات غیرواقعی - تبلیغات انتخاباتی ... مسئولیت مدنی دارد.^۱

نقش رسانه - خلاء نظام حقوقی ایران و اجمال و ابهام موجود در قوانین راه مطالبه خسارت افراد را با دشواری مواجه ساخته است. روش‌های روشن و قابل وصول برای شهروندان و زیان‌دیده معین نیست. چه بسیار مواقعی که انتشار یک گزارش و خبر با تکیه بر الگوها و تکنیک‌های رسانه‌ای همچون «برجسته‌سازی» حقوق دفاعی متهم را نادیده گرفته است و متهم به همین دلیل دچار خسران شده یا موجب اخلال در روند دادرسی گردیده و عملاً تأثیر گذارده است. فرد زیان‌دیده راهی برای جبران خسارت ندارد. با وجود آنکه اصل ۳۹ قانون اساسی ایران به صراحت بیان می‌دارد که: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیده شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». لیکن در عمل هیچ‌گاه شاهد چنین دادخواهی و دادرسی نبودیم. باید افزود که بر مبنای قیاس اولویت که مورد پذیرش اصولین و حقوقین است هتک حرمت اشخاص معمولی که متهم نیستند و در معرض هیچ‌کدام از موارد تصریح شده در اصل نمی‌باشند به طریق اولی ممنوع است، اما به تعداد بسیار شاهد شکستن این حریم‌ها هستیم. جرم‌انگاری انجام شده در عمل نشان داده است که نه تنها از میزان این اقدامات کاسته نشده است بلکه

^۱ - انصاری، باقر. شیخ‌الاسلامی، جهانسوز و دیگران، ۱۳۸۱، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، تهران، پژوهش ریاست جمهوری.

به تناسب شاهد افزایش آن هستیم. نقض این حق فردی در نظام رسانه و مطبوعات یکی از شایع‌ترین تخلفات است. برجستگی افترا یا توهین یا هتک حرمت در رسانه آن است که به واسطه تیراژ و داشتن مخاطب بسیار نقش مهمی در تنویر و شکل‌دهی به افکار عمومی ایفاء می‌نماید و می‌تواند در خدشه‌دار کردن حیثیت فردی در جامعه اثری جدی و حتی جبران‌ناپذیر بجای گذارد. در جهان امروز قانونگذاری در خصوص هتک حرمت و افتراء و توهین دو هدف متعارض را با تکیه بر اصل تناسب و توازن دنبال می‌کند، ابتدا می‌خواهد قانون از حقوق افراد و حفظ شأن آنان دفاع کند و دیگر آنکه می‌باید مبتنی بر مبانی حقوق آزادی بیان و مطبوعات از آن پاسداری و محافظت به عمل آورد^۱ در نتیجه صدور هرگونه حکمی باید واجد هردو خصیصه متعارض باشد. به همین دلیل در بسیاری از کشورها منجمله انگلیس با داشتن مسئولیت توامان کیفری و مدنی این‌گونه جرایم را شبه جرم و تخلف مدنی بشمار آورده و با جریمه و خسارت تنبیه می‌نمایند و استفاده از کیفر جزایی یا منسوخ گشته و یا بسیار حداقلی مورد استفاده است در حقوق انگلستان علاوه بر اعمال این رویه در مورد مطبوعات و رسانه‌ها حتی در ماده ۶۰۱ قانون برنامه‌ریزی مربوط به I.T.C نیز با تأکید بر ضرورت رعایت اخلاق حرفه‌ای از سوی رسانه‌نگاران در صورت ورود خسارت به اشخاص از طریق هتک حرمت و ... جبران خسارت و خسارت تنبیهی و جریمه را اعمال می‌نمایند این ماده در خصوص رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی اعمال می‌گردد.^۲ به موجب همین ماده و دستورالعمل مصوب سال ۲۰۰۱ فصل ۲۲- رسانه BBC مسئولیت مدنی جبران خسارت هر نوع توهین و افترا را پذیرفته است اعم از اینکه مستقیم باشد یا از طریق مصاحبه- شونده‌گان باشد در اکثر کشورهای عربی همچون امارات، کویت، بحرین، عمان، قطر، سودان و ... نیز در سال‌های اخیر توهین و افتراء حتی به مقام پادشاه را نیز با خسارت و جریمه مالی سنگین مجازات می‌نمایند و در واقع نوعی جرم‌زدایی و حبس‌زدایی کرده‌اند لیکن مبلغ جرایم آنقدر سنگین است که عملاً هیچ رسانه‌ای جرأت ورود به این حوزه‌ها را

^۱ - حسینی اسفید و اجانی، بشیر، ۱۳۹۱، حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران و انگلیس و آمریکا، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

^۲ - محسنی، فرید، ۱۳۸۹، حریم خصوصی اطلاعات، مطالعه کیفری در حقوق ایران ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

پیدا نمی‌کند و اگر به هر دلیلی مرتکب شود جریمه‌ای حدود ۳ تا ۴ میلیارد تومان باید پرداخت کند که این به معنی تعطیلی محترمانه و مدرن است!

در آمریکا نیز در اغلب ایالت‌ها همین رویکرد دوگانه وجود دارد ولی بیشتر به سوی خسارت و جریمه نقدی به نفع شخص زیان‌دیده رویه قضایی شکل گرفته است. بعضی از ایالات حکم جزایی آن تا سال ۲۰۰۵ قوی‌تر بود ولی اکنون بسوی جریمه و خسارت میل کرده است (آلاباما، ایلینویز، ایندیانا).

به سبب جایگاه برجسته آزادی بیان به موجب اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا در این کشور جرم (شبه جرم) افتراء و توهین با وجود شروط ذیل اثبات می‌گردد، - مطلب انتشار یافته باشد - کلمات مستقیم به شاکی معین مربوط باشد - مطالب تهمت‌آمیز و کذب باشد خواننده (رسانه یا مفتری) مقصر شناخته شود و عملاً تقصیر کرده باشد. با این وجود همه انواع بیان‌های توهین‌آمیز یا تبلیغاتی را در این مقوله (هتک حرمت توهین افتراء) قرار نمی‌دهند بلکه برخی از مطالب در عناوین دیگر مجرمانه مثل «کاهش قدرت مالکیت» یا «تهمت تجاری و مالی» ارزیابی نموده و اساساً در دادگاه‌های دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

برای جبران خسارت وارده ناشی از عملکرد رسانه به دلیل توهین یا افتراء به ۴ شیوه جبران خسارت صورت می‌پذیرد.

خسارت حقیقی، ۲- خسارت ویژه مالی، ۳- خسارت احتمالی، ۴- خسارت کیفری (عبرت‌آموز یا تنبیهی).

رایج‌ترین خسارت ناشی از تهمت، خسارت حقیقی است. این وظیفه شاکی است که نشان دهد آسیب روحی روانی معنوی یا مادی بروی حاصل آمده است، و چون تأمین و تعیین میزان خسارت معنوی بسیار مشکل است لذا نام آن را خسارت حقیقی نهاده‌اند. دادگاه با توجه به شرایط و اوضاع و احوال می‌تواند دو خسارت دیگر تنبیهی و خسارت ویژه مالی را نیز اضافه کند و این موجب می‌شود که رسانه‌ها در افتراء و توهین هتک حرمت دیگران بسیار دقیق و با رعایت مقررات حرفه‌ای عمل کنند و از هرگونه هتکی پرهیز نمایند خسارت تنبیهی یا عبرت‌آموز فقط در مواردی اعمال می‌گردد که جرم افتراء سنگینی باشد در ترازوی شبه جرم و شبه جرم / جرم سنگین تلقی شود آنگاه به ارقام گزاف محکوم خواهند شد.

در ایران چنان که گفته آمد به موجب قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی ماده ۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۹۷-۶۹۸ و قانون مطبوعات تبصره ۱ ماده ۳۰ حفظ حیثیت اشخاص لازم است و نقض آن جرم محسوب می‌گردد. در عمل مراجع قانونی با رویکرد کیفری محض قائل به ارکان ویژه جرم می‌باشند و لذا در بسیاری مواقع اقدام انجام شده از سوی رسانه‌رانه قابلیت انتساب مقبول می‌دانند و نه رسانه معاف از مسئولیت می‌تواند باشد. ولی به دلیل عدم شفافیت قانونی و ابهام و عدم توجه به مسئولیت مدنی، اکثر دعاوی با تبرئه از جرم از خسارات نیز عملاً تبرئه می‌گردد. و امکانی برای پیگیری مستقل در قالب مسئولیت مدنی برای جبران خسارت وجود ندارد. در صورتی که اگر قانونگذار از ابتدا بطور مستقل مسئولیت مدنی را در این قبیل جرایم (شبه جرم‌ها) بپذیرد فرد می‌تواند از طریق دادگاه عمومی صالح یا مقررات- گذاری نظام صنفی یا شورای حل اختلاف دعوی مدنی جبران خسارت طرح نماید و رسانه‌ها با پرداخت خسارت مالی به اشخاص ضرورت رعایت هر چه بهتر و بیشتر مقررات اخلاق حرفه‌ای را جدی‌تر پی خواهند گرفت. این خلاء در نظام‌های حقوقی دیگر اینک مرتفع شده است که انتظار می‌رود در ایران نیز با اصلاح قانون «جامع رسانه‌های همگانی» به این نکات توجه شود.

پرداخت خسارت مالی از سوی رسانه‌ها به اصل رعایت حق آزادی بیان و حفظ حقوق اشخاص نزدیکتر است و مانع از نقض آن یا توقیف و تعطیل بنگاه رسانه‌ای می‌گردد. تعطیل و توقیف و لغو امتیاز نشریات و رسانه‌ها یک اقدام مغایر با اصل آزادی بیان است تبلیغات غیرواقعی و نفی کالای یک مؤسسه تولیدی، افتراء و توهین به اشخاص در این زمینه می‌تواند خسارات مادی و اعتباری فراوانی برای مسئول مؤسسه و محصول تولید شده و بنگاه به بار آورد، روش‌های جبران خسارت و مطالبه دارای ابهام است و فراتر آنکه یک مقرر و تعریف دقیقی از این گونه تبلیغات اغواگر در دست نیست حتی آیین‌نامه کانون‌های تبلیغاتی نیز از این جهت مبهم و مجمل است.^۱

حقوق شهروندان و مصرف کنندگان آن کالا و حق تولیدکننده اقتضاء دارد که با تبیین دقیق موارد خلاف مقررات گذاری شود و نیز روش‌ها و راه‌های مطالبه مسئولیت معین باشد

^۱ - حسینی اسفید و اجانی، بشیر، ۱۳۹۱، حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران و انگلیس و آمریکا، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

متأسفانه تاکنون هیچ پرونده قضایی ناظر بر چنین ادعایی یافت نشده است تا معلوم شود که برخورد قضایی و نحوه دادرسی چگونه است. آنچه مهم است توجه به مسئولیت مدنی افراد مسئول در این حوزه می باشد که برای پیگیری یا انتساب مسئولیت به آنان باید ملاک‌های روشنی از عدول و تخلف تبلیغاتی یا اغوا و فریب بیان گردد و قانونگذار در مقررات فعلی کمتر به این مسئله توجه کرده است. برای تدوین چنین قانونی مشارکت فعالان این حوزه ضروری است تا واقع‌بینانه جرم‌انگاری شود گرچه در کشورهای انگلیس و فرانسه و امریکا این گونه مسایل در قالب تخلف تجاری یا در امریکا «کاهش مالکیت» اشخاص مطرح می‌گردد و با جبران خسارت مورد حکم قرار می‌گیرد. در همین حال دولت‌ها با ایجاد نهادهایی مثل صندوق تأمین و جبران خسارت حاصل از عملکرد رسانه‌ها یا نظام بیمه عمومی اقدام می‌نمایند.^۱

تیین دقیق مسئولیت مدنی یا کیفری رسانه و مطبوعات با شناخت دقیق کارکرد و جایگاه آن میسر است و با فرض توجه به این نکته اساسی برای کشورهای در حال گذار مثل ایران بنظر می‌رسد توجه به مسئولیت مدنی دولت نیز حایز اهمیت باشد.

نظر به اینکه بخش قابل توجهی از رسانه‌ها و مطبوعات در ایران در بخش دولتی هستند و یا وابسته به بخش عمومی می‌باشند جایگاه پذیرش مسئولیت مدنی دولت می‌تواند به گسترش فرهنگ حقوقی مسئولیت محور تأکید گذارد و زمینه مطلوبی برای اقدامات قانونی و ترویج رویکرد عدالت ترمیمی باشد. گرچه تئوری‌های مخالف و موافقی در زمینه مسئولیت دولت وجود دارد^۲ لیکن نقش دولت در این حوزه مهم است.

کریستین لازرژ: سیاست جنایی در پایان سده بیستم یعنی حدود دو قرن پس از فوئر باخ را شامل کلیه اقدامات سرکوب‌گرانه اعم از کیفری و غیرکیفری و پیش‌گیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌داند که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و با مشارکت سازمان-یافته یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی (بازپذیری و درمان) بزهدکاران و نیز پیشگیری از بزهدکاری و انحراف استفاده می‌کنند. بدین ترتیب کارکرد جبران خسارت امروزه بسیار توسعه یافته است و از آن به عنوان مصداق مجازات، شرط تخفیف یا

^۱- فصلنامه مطالعاتی، ۱۳۷۷، ویژه تبلیغات، رسانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۴.

^۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، دانشگاه تهران.

معافیت از مجازات و شرط برای تعلیق مجازات و آزادی مشروط و حتی می‌توان گفت به عنوان یک اصل و قاعده غیر قابل انکار پذیرفته‌اند.

به همین دلیل در کنار مسئولیت مدنی اشخاص دولتها بدلیل توانایی بیشتر و نیز بهره‌مندی از حقوق عمومی به منظور حفظ حق افراد و بسترسازی برای جبران خسارت آنان، مسئولیت مدنی دولتها را فراتر از مباحث قهری همچون زلزله، سیل و ... شناسایی نموده‌اند ماده ۶۷ قانون عدالت کیفری این اجازه را به قاضی انگلیسی و ولز می‌دهد که جبران خسارت را به عنوان حکم جزایی صادر کند یا علاوه بر هر حکمی، حکم بر جبران خسارت نماید.^۱

در حقوق ایران و نظام فقهی حقوق کیفری اسلام هم می‌توان گفت که امکان اجرای قاعده جبران خسارت بجای حکم جزایی (مجازات‌های کیفری) ممکن است و لذا جرم-زدایی از عناوینی همچون افتراء و توهین و شناسایی شبه‌جرم بلامانع است. زیرا در اسلام عمده جرایم تعزیری هستند و جرایم تعزیری از قاعده‌التعزیر بمایراه الحاکم پیروی می‌کنند. بنابراین قاضی یا حاکم مجاز است از هر راهی که صلاح می‌داند و نتیجه مطلوب اصلاح و بازپذیری را به همراه دارد اقدام نموده و مطابق آن حکم دهد فقط نباید اندازه آن از حد بیشتر باشد^۲ دیگر اینکه اکنون از دیه وارش به عنوان یک مکانیسم جبران خسارت استفاده می‌شود گرچه ماده ۱۲ و ۱۵ ق.م.ا. دیه را از انواع مجازات‌ها نام برده است. که بنظر می‌رسد خود یک ضمانت اجرای کیفری بشمار آید. اهمیت رویکرد نوین این است که جبران خسارت که نوعی مسئولیت مدنی است جایگزین مجازات که نتیجه عمل کیفری است بشود و امروز تأکید و توصیه بر اجرای این رویکرد می‌باشد. و گرنه از حیث جبران خسارت ناشی از جرم که در گذشته و حال به موجب قانون مجری‌ست اما از همین عناوین و مواد قانون بر می‌آید که می‌توان جبران خسارت مدنی را رأساً جایگزین امر مجازات کیفری نمود.

با درک حق انحصاری دولت‌ها و حکومت‌ها در جرم‌انگاری و تعقیب و رسیدگی قضایی و مجازات کردن افراد توسط نظام قضایی و رعایت تضمین‌های لازم دادرسی عادلانه و منصفانه به دلیل تورم پرونده‌های کیفری و حقوقی و افزایش جمعیت، عملاً نهادهای

^۱- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، پژوهشگاه فقه و حقوق، عابدی نیستانک، ربابه، مسئولیت خسارت ناشی از فعالیت‌های رسانه گروهی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

^۲- خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۰، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، پژوهشکده فقه و حقوق، بوستان کتاب، ص ۱۸۷.

«میانجیگری کیفری» که به نوعی برگرفته از جامعه مدنی است وارد فرایند عدالت کیفری شده و مورد استقبال اکثر کشورها و حتی سازمان ملل برای توصیه به اعضاء قرار گرفته است و در ایران نیز شورای حل اختلاف تا حدودی بسوی این کارکرد طراحی شد، گرچه هنوز در حوزه کیفری نارسائی‌هایی به مفهوم «میانجیگری» دارد ولی خود نشانگر اهمیت و جایگاه و ضرورت تغییر رویکردهای کیفری است و با این روش‌ها می‌توان زمینه سیاست کلی قضایی کشور یعنی حبس‌زدایی، قضازدایی را از طریق جرم‌زدایی یا شبه‌جرم تلقی نمودن برخی از جرایم رسانه‌ای و امکان رسیدگی آن در شوراهای حل اختلاف ویژه رسانه و مطبوعات گامی هر چند کوچک برداشت، تا زمینه حضور نهادهای صنفی و مقررات‌گذار داخلی فراهم شود.

ذکر این نکته مفید است که اصولاً جرم‌انگاری توسط دولت‌ها بر مبنای نیاز و ضرورت و شرایط اجتماعی خاص همان مقطع صورت می‌گیرد و لذا حکومت می‌تواند در اوضاع و احوالی دیگر جرمی را لغو نموده و یا جرم‌نگاری جدیدی بنا نهد. بنابراین اصل تغییر و تبدیل جرمی به شبه‌جرم تابع شرایط جامعه و ضرورت‌های اجتماعی است. با توجه به معاهدات بین‌المللی و اسناد بالادستی در حمایت از آزادی بیان و مطبوعات و طی دوران پختگی و بلوغ رسانه‌ای در کشور اکنون زمان آن فرا رسیده که با تغییر رویکرد کیفری نسبت به رسانه‌ها سیاست توسعه مسئولیت مدنی و شناسایی برخی از جرایم مطبوعاتی به عنوان خطای مدنی و شبه‌جرم گام‌های مناسب و تمهید لازم برای ورود به عصر نوین رسانه‌های ارتباطی الکترونیکی را فراهم آوریم. از دیدگاه فقه امامیه و با عنایت به فلسفه مجازات در اسلام نیز این تغییر و تبدیل قابل پذیرش و مطلوب شرایط امروز ارزیابی می‌گردد.

فهم فلسفه مجازات در اسلام بسیار مهم است. با دو نگاه می‌توان به داوری پرداخت. نخست مجازات اشخاص بدان سبب صورت می‌گیرد تا اول تنبه و آگاهی و عبرت دیگری و شخص مجرم باشد و دوم چنانچه عمل وی موجب نقض حق عمومی شده باشد از حق اجتماع صیانت شود، نظم و انتظام امور برقرار بماند و شخص اصلاح شده و در مسیر صحیح حرکت کند.

نگاه دوم: نوعی انتقام از شخص است و هدف از مجازات نابودی و تنبیه مجرم می‌باشد.

آنچه از فلسفه آفرینش انسان درک می‌شود، و نیز بنابر آیات و روایات در اندیشه اسلامی انسان برای «عبد» خدا بودن و سیر تکاملی به سوی کمال الهی از یکسو و خلیفه الهی در زمین شدن از سوی دیگر است. انبیاء و اولیاء الهی نیز برای هدایت و راهنمایی انسان بسوی کمال و خداوند آمده‌اند. بر این اساس بنظر می‌رسد هدف مجازات در اسلام اصلاح فرد و صیانت از جامعه انسانی است.

۲- در اندیشه اسلامی و احکام و شریعت قرآنی برای برخی اعمال و اقدامات مجرمانه انسان مجازات معین (حد) تعیین شده است مثل قتل، قصاص و موارد دیگری که در حدود و قصاص مطرح است برخی را باور این است که این احکام قابل تغییر نمی‌باشند و اندکی معتقدند با شرایطی می‌توان در این موارد نیز تجدیدنظر کرد که از موضوع بحث حاضر خارج است. دوم اقدامات و افعالی از انسان‌ها صادر می‌شود که برای آن مجازات معین نشده است بلکه با عنایت به موقعیت زمان مکان شرایط و اوضاع و احوال وقوع آن در اختیار حاکم است که عموم تعزیرات بمایراه الحاکم است. که به اصول دون‌الحد است و مرجع تشخیص میزان آن قاضی است. بنظر می‌رسد که در بحث ما نحن فیه می‌توان مجموعه‌ای از جرایم رسانه‌ای را در ذیل همین مفهوم بشمار آورد و حاکم با عنایت به اختیاراتی که دارد می‌تواند مسئولیت مدنی متخلف را مبنای حکم قرار دهد.

و بنابراین اصل می‌توان به غیرجزایی‌سازی و کیف‌زدایی از این‌گونه جرایم رسانه‌ای پرداخت و زمینه را برای گسترش قلمرو مسئولیت مدنی فراهم آورد.

عناوین احصاء شده در قانون مطبوعات کشور از شمول «حدود» خارج است، گرچه می‌توان تصور استثنایی جرایمی را که دارای حد شرعی است، نمود. لیکن آنچه اکنون قابل اتکاء و استناد می‌باشد مجموعه‌ای از جرایم و تخلفاتی است که یا در قانون مجازات اسلامی تعیین تکلیف شده است و یا آنکه به نظر قاضی واگذار شده است همین می‌تواند مبنای بررسی جدی این تحقیق برای کیف‌زدایی باشد و در نتیجه امکان توسعه و گسترش قواعد مسئولیت مدنی را نسبت به متهمان رسانه‌ای و رسانه‌نگاران مبنای اقدام قضایی قرار داد.

نکته دیگری که می‌تواند زمینه را برای کیف‌زدایی از برخی جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای فراهم آورد (به ویژه آن عناوینی که در شریعت برای آن تعیین وضعیت شده است) اجتهاد پویا مبتنی بر زمان و مکان و اوضاع و احوال جهان و زیست بوم کنونی ماست. ورود به بحث

مصلحت و مفسده و بنای عقلاء در شرع خود از مباحث بسیار جدی و مستوفی است لیکن به همین اندازه کفایت می‌توان کرد که با تکیه بر ضرورت‌های روز و رسالت مطبوعاتی و شأن و جایگاه رسانه‌ها مفهوم جرم و کیفر را از آن زدود و بنای جبران خسارت را با دیده قبول نگریست.

اصولاً عدالت در دیدگاه اسلامی، تنها راه برخورد و مقابله با مجرمین نیست، بلکه در کنار این ضابطه، یک روش دیگر نیز برای برخورد و مقابله با هر نوع بدی و از جمله پدیده مجرمانه وجود دارد که روش احسان و خوش رفتاری است^۱ و در بسیاری از موارد، امکان برخورد با مجرمین بر اساس این شیوه متعالی وجود دارد».

حتی مجازات قصاص در اسلام یک نهاد خصوصی تلقی می‌شود که با درخواست ولی دم ممکن می‌گردد و تأکید و توصیه و سفارش قرآن به عدم اجرا و گذشت است. در مجموع اسلام به دنبال ضمانت و صیانت زندگی انسانی به نحو مطلوب و مجازات نیز عمدتاً دارای بار اصلاحی، تربیتی، بازدارندگی، تشفی خاطر زیان‌دیده و تطهیر روح و روان فرد خاطی یا مجرم است و توبه مظهر این نگرش می‌باشد.

نتیجه اینکه حتی از دیدگاه فقهی و اسلامی می‌توانیم جرایم رسانه‌ها و رسانه‌نگاران را با رویکرد مدنی و جبران خسارت زمینه این خواست را فراهم آوریم.

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام که تحت عنوان مقرر ماده ۳۰ به قانون اساسنامه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران افزوده، دلیلی برای غیرجزایی‌سازی جرم افتراء و توهین پنداشت در بخشی از این مقرر آمده است:

«چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان صدا و سیما و یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین افتراء یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (حقیقی یا حقوقی) باشد یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف گردد مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد ... مدعی می‌تواند اعتراض خود را اعلام و ... پاسخ خود را که بیشتر از دو برابر زمان اصل مطلب نباشد که از پنج دقیقه کمتر نباشد به صورت رایگان از همان شبکه پخش شود ...

^۱ - سوره نحل آیه ۹۰ - سوره مومنون آیه ۲۳ - ادفع بالتی هی احسن السیئه».

خسرو شاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، پژوهشکده فقه و حقوق، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، قم، ص ۱۸۷.

در صورت عدم توافق معترض و صدا و سیما موضوع برای رسیدگی به شورای نظارت به عنوان مرجع تشخیص وقوع توهین و افتراء، تحریف یا خلاف واقع منعکس نماید و شورا موظف به رسیدگی و اختصاص دو برابر زمان به شرط آنکه پاسخ حاوی توهین و افتراء به کسی نباشد به صورت رایگان پخش شود. چنانچه سازمان صدا و سیما از اجرای مصوبه شورای نظارت خودداری کند شاکی به شعبه خاصی شکایت می‌برد و سازمان به حکم دادگاه باید عمل کند و اگر استنکاف کند مستنکف از حکم قضایی برابر مقررات محکوم می‌گردد... این مقرر اولاً نقش مقررات گذاری صنفی و تشخیص مراجع صنفی و تخصصی را به رسمیت شناخته است و دوم اینکه به عنوان شبه جرم و تخلف شناسایی کرده و در هر حال حق جواب برای زیان دیده قایل است و برای جبران خسارت به مراجع صالح قضایی باید رجوع نماید.

رسانه صدا و سیما را «به دلیل انحصاری و دولتی بودن» ملزم به پاسخگویی کرده است اما هیچ وجه ممتازی نسبت به رسانه‌های دیگر ندارد و لذا می‌توان در خصوص رسانه‌های دیگر همچنین رویکردی اتخاذ نمود.

تقصیر و خطر دورکن انتساب مسئولیت مدنی است - تقصیر مبنای و نظریات متعددی برای مسئولیت مدنی بیان شده است با پرهیز از اطاله کلام بطور خلاصه و مفید باید گفت معروف‌ترین مبنای مسئولیت مدنی تقصیر است، نظام حقوق مسئولیت مدنی در ایران به موجب ماده یک ق. م. م. بر همین مبنا استوار است. بنابراین هر کسی در ارتکاب فعلی موجب ضرر به دیگری شود مقصر است و مسئولیت دارد مسئولیت تابع تقصیر یا بی تقصیری فرد است - گرچه مسئولیت بدون تقصیر به صورت استثنایی پذیرفته شده است. مبنای تقصیر در واقع امر به «فاعل» فعل زیان آور معطوف است در نتیجه چنانچه اسباب متعدد موجب ورود زیان شود ابتدا باید به دنبال سببی بود که مقصر است و هر کجا که مقصر مشخص باشد مسؤل هم اوست و اگر همه مقصر باشند یا تعداد معینی از آنان مسئولیت مدنی جبران خسارت بر دوش همانها خواهد بود. ماده یک ق. م. م. به صراحت می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید

که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

در قانون مدنی بر عنصر تقصیر تأکید دارد و در مواد ۳۴۴ / ۳۴۶ / ۳۵۱ / ۳۵۳ / ۳۵۹ نیز مؤید این نظر است مثل ماده ۹۵۳ که می‌گوید تقصیر اعم است از تعدی و تفریط و دو واژه در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ تعریف شده است. لیکن خود واژه تقصیر تعریف نشده است و بر اساس ملاک‌های قانون می‌توان تعریفی ارائه کرد و در این میان مختار نگارنده تعریف آقای دکتر داراب‌پور است که بیان می‌دارد: تقصیر عبارت است از تعدی و تجاوز از حدود اذن متعارف نسبت به حق یا مال دیگری و تفریط در کاری که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. پس هر فعل و ترک فعل غیر متعارف که خلاف قوانین و مقررات قانونی یا عرفی باشد تقصیر است و در آن عنصر نوعی رفتار ملاک است نه عوامل ذهنی و معیار مقایسه نیز شخص متعارف و همشأن زیان‌زننده در همان شرایط وقوع حادثه در انجام فعل زیان‌بار است.^۱ این تعریف در مقایسه در برگیرنده تمامی موارد بایسته است.

تئوری خطر یا ریسک که به مسئولیت بدون تقصیر نیز بیان می‌شود در واقع پس از تحولات اقتصادی و صنعتی و آشکار شدن برخی خطرات و زیان‌های کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی برای اشخاص و محیط‌زیست و عدم پاسخگویی تئوری تقصیر این نظریه (خطر) تدوین شد- در فقه نیز به قاعده من اله الغنم فعلیه الغرم- هر کس که از سود آن بهره‌مند است پس باید ضرر و زیان را نیز جبران کند. بدین معنا که هر کس دارای وسیله با مؤسسه و بنگاهی باشد که خطر از آن حاصل شود و موجب ضرر و زیان غیر گردد مالک یا سود برنده آن مؤسسه باید مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده را پوشش دهد.^۲ این نظریه در واقع راه مطالبه خسارت از بنگاه‌های بزرگ تولیدی و کلیه وسایل جدید را تسهیل کرد و گامی بود برای بروز شدن قوانین حقوقی و حفظ حقوق مردم، این نظریه زیان‌دیده را از اثبات تقصیر طرف مقابل معاف کرد و عملاً فرض تقصیر برای صاحب کارخانه مفروض

^۱- داراب‌پور، مهرباب، مسئولیت‌های عام مدنی، جزوه درسی- ص ۵۷.

^۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مسئولیت مدنی الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، دانشگاه تهران.

پنداشته شد. با همه کارآیی آن ولی نقدهایی به این نظر وارد شد... لذا ضمن اینکه مورد استفاده است ولی با محدودیت‌هایی نیز مواجه گشت.

بعد از آن بوریس استارک حقوق‌دان فرانسوی نظریه تضمین حق را ارائه کرد. به موجب این نظر توجه به عنصر «زیان» ملاک عمل قرار گرفت حال آنکه در دو نظر بالا توجه به «فاعل» ملاک عمل است. آقای استارک معتقد بود که همه افراد حق دارند در جامعه زندگی کنند و باید از سلامت و امنیت و آسایش در تمامی زمینه‌ها برخوردار باشند حفظ حقوق دیگران نیز ضرورت زندگی اجتماعی است اگر کسی حق دیگری را ضایع کند باید پاسخگو باشد و با جبران خسارت تأمین زیان بنماید. جبران این زیان مسئولیت مدنی است. چون ممکن است همه افراد توانایی پوشش دادن مبلغ زیان یا همان جبران خسارت را نداشته باشند بنابراین باید بیمه این مسئولیت را عهده‌دار گردد. این تضمین حق شامل مقصر و بدون تقصیر می‌شود ولی اگر ورود زیان مالی و اقتصادی قابل تقویم یا زیان بدنی نباشد و مرتکب هم مقصر نباشد مسئول نیست در حالی که در نظریه خطر شامل همه این موارد می‌شود^۱ این تفاوت‌ها و نقدهای دیگری که وارد شد توفیق این نظریه را تضمین نکرد و عملاً همچنان باید گفت مهمترین و اصلی‌ترین رکن در مسئولیت مدنی «تقصیر» است.

قواعد فقهی حاکم بر توسعه مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات

مبانی کارکرد رسانه از نگاه فقهی برای غیرجزایی‌سازی جرایم و تقویت مسئولیت مدنی عبارت از احسان و اقدام و لاضرر یا سوء استفاده از حق و قاعده امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. بر اساس این قواعد که حاکم بر بنیان کارکرد مطبوعات است می‌توان ضمن جرم‌زدایی به تقویت مسئولیت مدنی تأکید کرد.

^۱ - حاجی احمد ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷، جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، پژوهشگاه فقه و حقوق.

الف) قاعده احسان

قصد احسان در رسانه‌ها و مطبوعات بنیان عمل و اقدام به انتشار است. به موجب قواعد مسئولیت مدنی و قواعد فقهی محسن اگر بدون تقصیر مرتکب خطایی شود آیا فعل او احسانی و معاف از ضمان یا کیفر است یا خیر؟

از نظریه فقهاء- آیات و روایات چنین بر می‌آید که عمل احسانی را باید به نیکی پاسخ گفت و اگر محسن دچار خطا شد چنانچه تقصیر سنگین نباشد شایسته بخشش است و معاف از مجازات و خسارت می‌گردد. «هل جزا الاحسان الا احسان».

یکی از مبانی ضروری برای غیرجزایی سازی جرم هتک حرمت یا افتراء و توهین و برخی دیگر از جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای همین ابتناء بر عمل و قصد احسان رسانه‌ها است که باید از مجازات معفو باشند. آنچه که به حقوق عمومی و حاکمیت بازگشت دارد قابل گذشت است و چنانچه نسبت به شخص موجب خسارتی شده باشد در حد جبران خسارت باید پرداخت شود.^۱

اول اینکه ملاک احسان نوعی است یا شخصی؟ بنظر می‌رسد ملاک نوعی باشد به ویژه در مورد بحث ما (رسانه‌ها) ملاک نوعی مثل قضات که نوعاً وظیفه‌ای در باب قضا انجام می‌دهند احسان است به همین دلیل قانونگذار اساسی تأکید کرده است که اگر اشتباه کنند معاف هستند و حداکثر بیت‌المال ضامن است لیکن اگر مقصر باشند و تقصیر محرز باشد خود ضامن هستند لذا می‌توان گفت محسن مقصر عرف نمی‌پذیرد ولی قصور و اشتباه محسن پذیرفته است.

قصد احسان با عمل محسن باید مطابقت و هم‌خوانی داشته باشد و در بسیاری مواقع عملکرد رسانه‌نگاران قابلیت چنین تعاون و همراهی را دارد صرفنظر از موارد استثنایی می‌توان در طرح مطالبی که موجب شکوائیه مبتنی بر توهین یا افتراء می‌گردد به ویژه اگر مسئول حقوق عمومی یا نهاد عمومی طرف دعوا باشد این قاعده قابل فهم است و موارد استثنایی را نیز باید با رعایت حق دفاع متهم و تفسیر به نفع وی مورد قضاوت و داوری هیأت

^۱- همان.

منصفه قرار گیرد، تشخیص اینکه آیا تقصیر سنگین است یا خیر. به عهده هیأت منصفه است یعنی عرف خاص رسانه‌ها و مطبوعات که مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. در صورت تقصیر سبک عنوان احسان باقی است و حداکثر جبران خسارت است و اگر تقصیر سنگین باشد به نحوی خروج از احسان باشد و صدق محسن نکند می‌توان قایل به مجازات و خسارت شد. در اینجا می‌توان مجازات را با نیت احسان به نظر قاضی مناسب انتخاب کرد.

ب) قاعده اقدام:

آنگاه که طرف دعوای رسانه‌ها و مطبوعات، نهادهای حکومتی یا مدیران حقوق عمومی باشند- با پذیرش مسئولیت و مقام اداری خود را در معرض قضاوت و نقد و بررسی قرار داده‌اند و لذا باید تحمل خود را و آستانه پذیرش نقدی را بالا ببرند و متعارف مدیران چگونه عمل می‌کنند آیا با هر بهانه‌ای شکایت و ناراحتی و عصبانیت حاصل می‌شود یا آمادگی شنیدن سخنان ناگوار و انتقاد تند و تیز باید داشته باشند. انتقاد در ذات خود تخریب هم دارد، یعنی هر انتقادی مبتنی بر عدم رعایت یا کسر گذاشتن در مسئله‌ای است که فرد را به بی‌توجهی و بی‌مبالاتی یا ... متهم می‌کند طبیعی است که هر نقد و انتقادی هرچه با کلمات و جملات زیبا باشد باز هم تجلی خاص خود را دارد. به همین دلیل کسانی که خود را در معرض رأی مردم می‌گذارند و در عرصه مسئولیت حکومتی حضور پیدا می‌کنند باید آماده شنیدن این سخنان باشد. در حالیکه یک شهروند معمولی می‌تواند همین سخنان را نسبت به خود ناروا دانسته و شکایت کند بنابراین قاعده اقدام در مسئولیت حقوق عمومی از عناصر دیگری است که باید نسبت به جرم پنداشتن افتراء و توهین ... مورد تجدیدنظر قرار گیرد و آن را شبه جرم یا خطای مدنی بشمار آوریم. به ویژه که قانونگذار از حیث جایگاه مسئولان کشور مجازات مشدد قایل شده است. چنانچه در اکثر پرونده‌های مطبوعاتی مطرح شده در خصوص افتراء و توهین در واقع نوعی منفعت عمومی در نگاه رسانه‌ها وجود داشته و بنابر همین اصل موضوع انتشار یافته است. رجوع به آراء دادگاه مطبوعاتی بیانگر این واقعیت است.

ج) قاعده لاضرر یا سوء استفاده از حق:

به موجب این قاعده که نفی حکم در لسان نفی موضوع می کند و در واقع حکم حق و ظهور شرعی را قطع می کند و می گوید با متخلف برابر مقررات و قواعد دیگر رفتار کنید یعنی مجوزی که قبلاً مستند به حق داشت و استفاده می کرد اکنون این قاعده آن را قطع کرده است در حقوق فرانسه از این قاعده به سوء استفاده از حق یاد می کنند^۱ در بحث رسانه‌ها و مطبوعات حکم اصلی عبارت از آن است که رسانه نگار ضرری را متوجه شخصی نکند و در بیان مسئله رعایت طرح کامل و جامع را داشته باشد بگونه‌ای که موجب بدفهمی یا ایجاد ابهام نگردد. به عنوان یک وظیفه حرفه‌ای نیز گفته شده است که تحلیل و خبری باید از عناصر بایسته برخوردار باشد و امانت در انتقال صحیح مسئله حفظ شود.^۲ در همین حال از حق آزادی بیان و مطبوعات سوء استفاده نشود و با استناد به آزادی بیان از اتهامات بی‌اساس یا کذب به اشخاص پرهیز کنید. این وظیفه رسانه را در صورت وجود عوامل زیر می‌توان گفت که سوء استفاده از حق کرده است، معیارها ۱- قصد ضرر نسبت به دیگری داشته باشد، ۲- عمل غیرمتعارف باشد یعنی مصداق سوء استفاده از حق بیان مسئله باشد، ۳- ضرر وارده غیرمتعارف باشد، ۴- انحراف از اهداف اصلی و اجتماعی خود داشته باشد. یعنی رسانه بدون توجه به رسالت مطبوعاتی و اخلاق حرفه‌ای مطالبی را به کسی نسبت دهد و تمامی شرایط بالا ظهور داشته باشد این عمل سوء استفاده از حق رسانه در آزادی بیان است. ولی اگر رسانه‌ها مبتنی بر رسالت و کارکرد طبیعی خود چنین می‌کنند و در موردی تشخیص داده شد که خطا صورت گرفته ولی عمد و تقصیر نبوده یا ضرر غیرمتعارف نبوده و خلاصه از معیارهای اصول حرفه‌ای خیلی دور نیست چنین عملی مصداق تخلف است و می‌توان اکثر جرایم مربوط به افتراء و توهین یا هتک‌حرمت را در تحلیل محتوا در همین راستا ارزیابی کرد و در صورت پذیرش شبه جرم مواردی که هیأت منصفه به نمایندگی از عرف تخلف تشخیص دهد قابلیت جبران خسارت و حتی خسارت تنبیهی یا جریمه را نیز

^۱ - گروهی از مؤلفان، ۱۳۸۸، حقوق مدنی تطبیقی، سوء استفاده از حق، کریمی، عباس، تهران، سمت (یادنامه دکتر صفایی - سید حسین).

^۲ - معتمدنژاد کاظم، رویا، ۱۳۸۷، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، تهران، مطالعات رسانه‌ها، ج ۱.

دارد و حاکم می‌تواند چنین مواردی را واجد دو حکم خسارت تنبیهی یا جریمه و غرامت و جبران و هم خسارت ضرر و زیان وارده به شخص اصیل بداند.

امکان سوء استفاده از حق برای حکومت‌ها نیز وجود دارد، به دلیل سوء استفاده از قدرت خویش در طول سالها از این امکان و اقدام به سرکوب آزادی بیان و مطبوعات در کشورهای مختلف استفاده کرده‌اند لذا یونسکو در مقام توصیه به دولت‌ها برآمد و خواستار سعه صدر و تحمل و غیرجزایی‌سازی افتراء توهین شد. بیشترین میزان شکایت و برخورد با رسانه‌ها از طریق همین عناوین مجرمانه بوده است. لذا سوءاستفاده از حق از هر طرف که باشد برخلاف قاعده است و برای جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها بهتر است ما نیز جرم توهین و افتراء ... را به عنوان خطای مدنی بپذیریم و زمینه توقیف رسانه‌ها را کمتر نموده و امکان جبران خسارت زیان‌دیده را بهتر فراهم آوریم این به نفع زیان‌دیده است چرا که در حال حاضر اگر غرامتی دریافت می‌شود به خزانه دولت واریز می‌گردد در حالیکه با این روش زیان‌دیده از آن بهره‌مند می‌گردد.

د) قاعده امر به معروف و نهی از منکر

این قاعده در فقه اسلام و در مبانی تئوریک دینی و آیات و روایات و احادیث به عنوان یکی از وظایف مهم و اساسی همه مسلمانان در جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

رسانه‌های در خدمت فرهنگ اسلامی از کهن‌ترین آنان که منبر و محراب و مسجد و خطابا و امامان جمعه و جماعت هستند تا مطبوعات و رسانه‌های نوین جمعی همه در چارچوب این فریضه و قاعده مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارند. به نظر می‌رسد که رسانه‌های امروز و مطبوعات یکی از مهمترین ابزارها و وسایل انتقال دیدگاه و تنویر افکار عمومی هستند طبیعی است که طرح دیدگاه‌ها و نقد و نظر اصحاب روزنامه و رسانه همواره مورد قبول و یا خشنودی ارباب قدرت نمی‌باشد و همه چالش‌های بین قدرت حکومت و دولت مردان با رسانه‌ها از همین منظر قابل بررسی و تأمل باشد.

اگر امر به معروف و نهی از منکر به دلیل امکان اشتباه و خطای رسانه یا به دلیل ناخرسندی صاحبان قدرت تعطیل گردد عملاً جامعه اسلامی به آب راکدی تبدیل می‌شود که آثار و مفاسد زیانباری به همراه خواهد داشت لذا با حفظ شروط و مقررات اسلامی

حاکم رسانه‌ها و مردم موظفند به امر به معروف و نهی از منکر عمل کنند. این قاعده بیانگر آن است که مطبوعات و رسانه‌ها با هدف اصلاح جامعه و رفتار مدیران و مسئولان و از دلسوزی و انجام وظیفه اقدام به نشر و انتشار دیدگاه‌های مخالف می‌نمایند. در صورت بروز خطا و اشتباه باید با رعایت اصل حسن‌نیت و احسان رسانه‌نگاران و بدون افراط و تفریط و سخت‌گیری نسبت به اصلاح آن اقدام کرد. چنانچه رسانه‌ای مسیر خطا پیمود به قاعده نباید نسبت به توقیف و سرکوب و اجبار به سکوت آنان اقدام شود بلکه با رعایت مصلحت جامعه اسلامی و باز گذاردن باب نصیحت بر ائمه مسلمین از طریق اعمال مسئولیت مدنی و جبران خسارت رسانه را در راستای وظایف قانونی و شرعی هدایت کرد. این قاعده دلیل دیگری است که می‌توان انجام وظایف و رسالت رسانه و مطبوعات را پذیرفت و از جرایم موجود جرم‌زدایی کرد و زمینه تحول و بهره‌گیری بهتر جامعه از مطبوعات را فراهم آورد.

قواعد حقوقی حاکم بر توسعه مسئولیت مدنی رسانه

۱. جبران خسارت تنبیهی یا غرامت

گرچه عنوان خسارت تنبیهی بیشتر در حقوق انگلیس مطرح شده است و برای جبران خسارت اشخاص علاوه بر ضرر و زیان قاضی انگلیسی مجاز است متهم را با خسارت تنبیهی نیز جریمه نماید- اما در نظام حقوقی ایران تحت عنوان بدل از حبس جزای نقدی مورد حکم قرار می‌گیرد. قاضی به موجب قانون نیز می‌تواند مستقلاً جزای نقدی وضع کند ماده ۳۵ ق مطبوعات که اختیار به قاضی داده شده است علاوه بر آنچه مقرر است برای جرایم و تخلفاتی که پیش‌بینی نشده نیز می‌تواند تا بیست میلیون ریال جزای نقدی جریمه وضع کند. گرچه این ماده از حیث مفاهیم کیفری محل بحث و مناقشه است ولی در خصوص صحت صدور حکم خسارت تنبیهی یا جزای نقدی بنظر می‌رسد قانونگذار ایران آن را پذیرفته و عملاً نیز اعمال و اجرا می‌کند.

بنظر ما اگر مسئولیت مدنی رسانه مبنا قرار گیرد در نتیجه علاوه بر جبران خسارت زیان- دیده، جزای نقدی یا خسارت تنبیهی را می‌توان به نهاد یا صندوقی اختصاص داد که از این وجوه برای بهبود عملکرد و روش‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی استفاده نماید بدین ترتیب

جامعه نیز در میان مدت از آثار مثبت حکم برخوردار می‌شود و زمینه تعامل و توسعه مطبوعات و رعایت مبانی حقوق شهروندان نیز گسترش خواهد یافت.

۲. روشهای مطالبه خسارت

چنانکه گفته آمد یکی از دلایل ناکارکردی و عمل به مطالبه خسارت از سوی زیان‌دیده رویکرد کیفری است وقتی پرونده در دادگاه مطبوعات از حیث کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد و حکم تبرئه صادر می‌شود دیگر شخص عملاً نمی‌داند چگونه می‌تواند پیگیری خسارت مادی باشد. اگر جرم پذیرفته شود خسارت ناشی از جرم یا ضرر و زیان قابل پیگیری است ولی در حالت تبرئه محل بحث است. حال آنکه اگر از ابتدا قانونگذار زمینه طرح دعوا را ولو به صورت مسئولیت توأمان کیفری و مدنی بیند شخص از همان آغاز می‌تواند انتخاب کند که دعوا را در چارچوب کیفری مطرح کند یا در چارچوب مسئولیت مدنی برای جبران خسارت، طبیعی است که این روند راه روشنی برای زیان‌دیده پیش‌رو می‌نهد و می‌تواند مطالبه خسارت نماید. تأکید بر مسئولیت مدنی و پیگیری برای جبران خسارت در این چارچوب بهتر است. ادله اثبات و نحوه ورود زیان و اثبات رابطه سببیت و نقش رسانه یا رسانه‌نگار در ورود زیان نیز چنان که اکنون در حقوق مسئولیت مدنی است مبنای عمل و اقدام خواهد بود.^۱

۳. مسئولیت پرداخت خسارت

اگر مسئولیت شخصی باشد فرد موظف به جبران خسارت است و اگر فرد از توانایی کمتری برخوردار باشد بموجب ق.م.م می‌توان گفت نسبت به کارفرما یا شخصیت حقوقی رسانه پیگیری کرد.

مسئولیت تریبی یا مسئولیت تضامنی نیز در صورتی که رسانه و رسانه‌نگاران و تمامی عوامل دخیل در ورود ضرر و زیان را مسئول بشناسیم طبیعی است که زیان‌دیده حق رجوع به هر یک از این افراد را خواهد داشت بهتر آن است که وی به کسی مراجعه کند که توانایی مالی بهتری برای جبران خسارت را دارا باشد در این حال مؤسسه و صاحب امتیاز ممکن است نفر اول بشمار آید. تأمین بیمه و پوشش بیمه مسئولیت رسانه و مطبوعات نیز

^۱- ژوردن، پاتریس، ۱۳۸۵، اصول مسئولیت مدنی، مجید ادیب، تهران، میزان، چاپ دوم.

می‌تواند برای تأمین خسارت زیان‌دیده بسیار مهم و مفید باشد لذا قانونگذار همانطور که بیمه کارگری را در ماده ۴۶ اصلاحی الزام کرده است می‌تواند بیمه مسئولیت رسانه و مطبوعات را الزام‌آور کند و این تضمین‌کننده حق زیان‌دیده و جبران خسارت غیر خواهد بود.

۴. روش‌های جبران خسارت

روش‌های مالی جبران خسارت که معلوم است و در زمینه‌های دیگر نیز سابقه این امر موجود است لیکن رسانه‌ها ممکن است بدلیل کارکرد ویژه خویش موظف به انجام روش دیگری برای جبران خسارت شوند علاوه بر مواردی که در قانون برای مسئولیت مدنی به معنای عام در نظر گرفته شده است مثل جبران کامل خسارت زیان‌دیده- ترمیم وضعیت و بازگشت به قبل آن- کسب رضایت زیان‌دیده- اما فراتر از آن برای رسانه‌ها مواردی همچون- ۱- عذرخواهی و الزام قانونی به درج جوابیه- انتشار حکم دادگاه- امکان ارائه دیدگاه شخص زیان‌دیده در رسانه- جلوگیری از پخش و توزیع رسانه در صورت امکان و عدم تکرار آن.^۱

هر یک از موارد فوق با توجه به وضعیت خاص شاکی و پرونده می‌تواند مورد حکم دادرسی یا قاضی دادگاه قرار گیرد. اما باید از توقیف فراتر از ۱۰ روز یک نشریه و یا تعطیل و لغو امتیاز انتقاد کرد و آن را مطابق موازین و مقررات بین‌المللی حق آزادی بیان اقدامی خلاف آزادی بشمار آورد و باید از این اقدام پرهیز کرد قانونگذار نیز با اصلاح قوانین نقیصه موجود را برطرف نماید.

۵. خسارت یا ضرر مادی و معنوی

ضررهای مادی که قابل تقویم به پول هستند و معمولاً روش‌های کارشناسی و عرفی برای اندازه‌گیری آن وجود دارد لیکن از گذشته و بویژه در آراء فقهی مواردی یافت می‌شود که تقویم خسارت معنوی را ممکن نمی‌دانند و معتقدند معیار قابل‌اتکایی برای تقویم وجود ندارد. گرچه این سخن در ذات و اساس خویش درست است اما اگر مبنای ارزش- گذاری مادی آن را به عهده شخص زیان‌دیده قرار داد و با ادله و شواهدی بتواند صحت

^۱- کریمیان رواندی، مهدی، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و فرانسه، تهران، نشر دادگستر.

چنین امری را آشکار سازد و رضایت خویش را تبدیل به وجه معینی نماید بنظر می‌رسد که منع شرعی و فقهی نداشته باشد- چرا که در دیه قصاص و توافقی طرفین به کم یا زیاده پذیرفته شده است و در واقع این مبلغ به ازاء شخصیت معنوی و کالبدی جان باخته است و بنا به بینش عرب خون بهاء شخص به همه شخصیت او تعلق گرفته است اینجا نیز می‌توان رضایت شخصی را مبنا قرار داد و بر این اساس تا حدودی امکان تعیین خسارت و تبدیل و تقویم به پول را پذیرفت. ضمن آنکه قانونگذار بر روش دیگر می‌تواند خسارت نسبی و مقطوع تعیین نماید.

زیرا اصل خسارت معنوی که در قانون اساسی اصل ۱۷۱ پذیرفته شده است و در قانون مسئولیت مدنی نیز در ماده یک و هشتم نیز پذیرفته است فقط باید روش اجرایی را متناسب با زمان و مکان و شرایط زیان دیده و موقعیت اجتماعی او ساماندهی و روشمند کرد. علیهذا حق بررسی و تشخیص میزان به عهده قاضی یا کارشناس و یا هیأت منصفه می‌تواند گذارده شود تا نقش مشورتی برای رأی قاضی داشته باشند.

نتیجه اینکه در بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردید که اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در برخورد با رسانه و مطبوعات اصل بر آزادی مطبوعات نهاد و رویه قضایی تمایل به مسئولیت مدنی و جبران خسارت دارد و دادگاه‌ها و نهادهای صنفی به طرق مختلف روش‌های گوناگون جبران خسارت و رفع اثر زیان مادی و معنوی متضرر را جستجو و مورد حکم قرار می‌دهند در ایران نیز با عنایت به قانون و مبانی فقهی می‌توان اولاً برخی از جرایم را شبه جرم و تخلف مدنی دانست و بر اساس تعالیم اسلامی و تمایل قانونگذار بسیاری از تخلفات و جرایمی که اکنون در رسانه‌ها مطرح است می‌توانند بر مبنای جبران خسارت مورد حکم قرار گیرند. دادگاه‌ها در حال حاضر با جریمه نقدی و تبدیل مجازات عملاً حکم به خسارت می‌دهند لیکن این جزای نقدی به نفع صندوق دولت است و متضرر یا شاکی خصوصی جز عذرخواهی رسانه هیچ جبران دیگری از حیث مادی منتفع نمی‌شود. لذا می‌توان پاره‌ای از جرایم موجود مطبوعاتی را از کیفری به مدنی تغییر داد، مجازات جایگزین هم می‌تواند پرداخت خسارت به نفع شخصی متضرر باشد امری که در قانون امکان آن دیده شده است و ق. م. م بر این امر تأکید گذارده است. قانونگذار این اختیار را به قاضی ایرانی داده است که مجازات تتمیمی و تکمیلی اعمال نماید. در اینجا می‌توان از

این اختیار برای خسارت تنبیهی استفاده کرد و رسانه را علاوه بر جبران خسارت زیان دیده به خسارت تنبیهی محکوم نماید.

نتیجه گیری:

با توجه به مقررات و اسناد بین‌المللی و قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور مبانی حقوق آزادی بیان و مطبوعات روشن و مشخص گردید. چالش و تعارض حق آزادی مطبوعات و حق اشخاص در حقوق عمومی و خصوصی و نحوه حل تعارض حائز اهمیت است. اجماع جهانی و رویه قضایی کشورها حکایت از آن دارد که برای حفظ آزادی بیان مطبوعات و توسعه نقد و انتقاد و نظارت بر عملکرد حکومت و دولت برای مصالح و منافع عمومی جامعه اقتضای آن دارد که احکام نسبت به رسانه‌ها سختگیرانه نباشد و مانع گردش آزاد اطلاعات و دانایی نشود زیرا توقیف نشریه به منزله توقف آزادی بیان است و از سوی دیگر حفظ حقوق اشخاص و وظیفه ذاتی و ضرورت نظام قضایی منصفانه و عادلانه است لذا جریمه نقدی، خسارت تنبیهی و جبران کامل خسارت زیان‌دیده حتی با مبالغ کلان از راهکارهای موجود در نظام‌های حقوقی است.

شورای اروپا در توصیه‌های خویش تأکید دارد که دولت‌ها نباید با سوء استفاده از قدرت خویش به بهانه جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای صدای مخالف و آزادی بیان را سرکوب نمایند. (۱۵۳۵-۲۰۰۱).

کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ با اصلاحاتی در قوانین خویش با غیرجزایی کردن جرم افتراء توهین و هتک حرمت حتی نسبت به پادشاه، جرایم سنگین مالی وضع کرده‌اند که یک میلیون دلار و بیشتر را شامل می‌شود (عمان) و نسبت به دیگر حوزه‌های عمومی و اشخاص نیز جرایم نقدی با نظر قاضی و شورای مطبوعات اعمال می‌گردد.

در خصوص نحوه جرم‌انگاری نیز در دو دهه اخیر تحولاتی رخ داده است، بی‌گمان توسعه رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی به دلیل کارکرد ویژه آن تأثیر بسیاری بر تغییر قوانین و ضرورت مقررات‌گذاری به نحو بین‌المللی برجای گذارده است.

باید اعلام نمود که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصل ۲۴ قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه سیاسی، اجتماعی ماده ۱۳۰ و برنامه پنجم توسعه سیاسی، اجتماعی ماده ۲۱۱ و سیاست کلان قضایی کشور علاوه بر کیفرزدایی و حبس‌زدایی از جرایم مطبوعاتی به غیرجزایی‌سازی جرایمی از مطبوعات که در مواد ۳۰ و ۳۱ همچون افتراء، توهین، هتک-حرمت و نشر اکاذیب اشاره شده اقدام و این جرایم را شبه جرم و تخلف مدنی Tort بشمار آورد و قانون مطبوعات مبهم موجود را سامان بخشد. طرح و لایحه قانون جامع رسانه‌های همگانی به مسئله توجه نموده است.

با توجه به تجربه کشورهای مختلفی که این مسیر را طی کرده‌اند می‌توان جرایم علیه شخصیت معنوی افراد در ایران را با تقویت مسئولیت مدنی بر مبنای شبه جرم مورد رسیدگی قرار داد. دادگاه‌ها با صدور احکام جبران خسارت غرامت و جریمه نقدی و تنبیهی می‌توانند توسعه قلمرو مسئولیت مدنی در ادبیات حقوقی و نظام اجرایی رسانه‌ها را تبدیل به رویه قضایی نمایند. این روند به تفکیک جرایم از تخلفات نیز می‌انجامد. و کاهش عناوین مجرمانه را به دنبال دارد همچنین باید اعلام نمود که بر اساس اختیارات قانونی و سیاست قضایی کلان که مورد عنایت قوه قضائیه و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و فرمان مقام معظم رهبری است نسبت به کیفرزدایی و حذف مجازات شلاق و زندان از جرایم مطبوعاتی اقدام نمود و مجازات‌های اداری، مدنی، انتظامی، تربیتی و حمایتی را جایگزین کرد. امری که در کشورهای مختلف صورت تحقق یافته است. این اقدام مغایرتی با مبانی فقهی و شرعی نیز ندارد و موجبات قانونی آن فراهم آمده است.

ترویج و توسعه مسئولیت مدنی با سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران همخوانی و همراهی دارد و در این راستا می‌توان با تأکید بر مقررات‌گذاری صنفی و رسیدگی توسط شوراهای حل اختلاف مطبوعاتی که مورد تأیید نظام قضایی می‌باشد زمینه کاهش ورود پرونده‌های مطبوعاتی به سیستم قضایی را فراهم آورد و از سوی دیگر امکان رسیدگی سریع‌تر و دست‌یابی متضرر به حقوق خویش و جبران خسارت را فراهم آورد.

نیز بر این نکته تأکید می‌نمائیم که توسعه مسئولیت مدنی موجب انعطاف‌پذیری و قابلیت رسیدگی به شبه جرم و تخلفات و جرایم رسانه‌های تکنولوژی نوین را فراهم می‌آورد و

امکان ورود به هنگام نظام قضایی به مسایل غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده حاصل از فن‌آوری نوین الکترونیکی را بدست می‌دهد که در جای خود بسیار مهم است.

از دیدگاه فقیهان در شریعت اسلام یک دایره قطعیات از احکام وجود دارد که گرچه معدود است و لیکن قابل تغییر نیست و بقیه موارد تغییر حکم و فتوا به عهده فقهاء و علماء اسلام است.

لذا جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای در مجموعه تعزیرات قرار دارد و قاعده کلی التعزیر بمایراه الحاکم به ما این امکان را می‌دهد که با تغییر موضوع، زمان و مکان و شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی نسبت به تغییر حکم اقدام نمائیم. چنانکه در مکاسب محرم حکم مجسمه‌سازی، تصویرگری، عکاسی، خرید و فروش خون تشریح جسد و ... در عصر حاضر تغییر کرده و به مشاغل مباح تبدیل شده است.

حکم امام خمینی (ره)، در خصوص حرمت شطرنج و تغییر آن به حلیت در عصر حاضر نمونه بارز است.

بنابراین از دیدگاه اسلام حاکم و قانونگذار می‌تواند نسبت به غیرجزایی‌سازی جرمی یا تبدیل آن به تخلف و شبه جرم اقدام نماید و این عمل بلامانع و مشروع است. تغییر عناوین مجرمانه و تبدیل جرایم مطبوعاتی به تخلف مدنی بلاشکال و ممکن است.

اکثر کشورهای جهان با تأکید سازمان ملل متحد و یونسکو و به منظور پاسداری از ارزش‌ها و حقوق بنیادین بشری جرم‌انگاری خاص در حوزه رسانه و مطبوعات نکرده‌اند در برخی کشورها جرایم مطبوعاتی از قانون مجازات عمومی تبعیت می‌کند و تابع نظام دادرسی خاص نمی‌باشد- تضمینات قضایی رسانه‌ها در خصوص تخلفات رسانه‌ای اعمال می‌گردد «منجمله انگلیس» لیکن رعایت حقوق مطبوعات و تأکید بر نظام‌های خود سامان صنفی و شورای رسانه با کمیسیون عالی مطبوعات به گونه‌ای است که به یاری سیستم قضایی می‌رود و حتی الامکان قبل از طرح دعوا در دادگاه توسط این شوراها رسیدگی و با جبران خسارت زیان‌دیده حل و فصل می‌گردد.

برخی دیگر از نظام‌های حقوقی جرایم مطبوعاتی را تابع نظام عمومی جرم می‌شناسند لیکن دادرسی ویژه و تضمین‌های قضایی لازم را برای رسانه‌نگاران منظور می‌نمایند. (ایتالیا) ایران از جمله کشورهایی است که جرایم خاص مطبوعاتی و تخلفات مطبوعاتی را تفکیک

نکرده است و ضمن قانونگذاری خاص (قانون مطبوعات) از قوانین عمومی مثل قانون مجازات اسلامی و ... نیز استفاده می‌نماید. شاید ضرورت جداسازی و تفکیک جرم از شبه-جرم (جرایم از تخلفات) واضح و هویدا باشد اما باید تأکید نمود که سردرگمی موجود قوانین در حوزه مطبوعات و رسانه‌ها یکی از عوامل نقض حقوق مطبوعات و رسانه‌نگاران است. ضروری است در اصلاحیه جدید و تنظیم قانون رسانه‌های همگانی قانونگذار محترم با حرکت بسوی غیرجزایی‌سازی از عناوین مجرمانه بکاهد و نسبت به حبس‌زدایی در اندک جرایم باقی مانده نیز رعایت جایگاه و شأن رسانه‌ای را به نحو شایسته بنماید. جرایم هتک حرمت افتراء و توهین را قطعاً می‌توان غیرجزایی کرد و شبه‌جرم Tort بشمار آورد. (به استثناء قذف) بنابر تجربه سیستم قضایی ایران و با رعایت مقررات موجود بنظر می‌رسد ایجاد شورای حل اختلاف رسانه‌ای می‌تواند یک حلقه واسط بین نظام صنفی و دادگاه باشد. در این فرض شورای حل اختلاف صالح به رسیدگی تخلفات مطبوعاتی و مواردی که هم‌اکنون در قانون از صلاحیت‌های این شوراها احصاء شده است، باشد در گام دوم نظام صنفی به عنوان بدنه کارشناسی می‌تواند به این شوراها حل اختلاف مشاوره و یاری رساند محدود اقداماتی که شامل عناوین مجرمانه می‌گردد. طبق قانون با تضمینات لازم قضایی و دادرسی عادلانه مورد رسیدگی قرار گیرد. در اکثر کشورها شورای عالی رسانه‌ها این وظیفه را عهده‌دار می‌باشند لیکن نظریه استقلال قاضی و عدم امکان ارجاع وظایف سیستم قضایی به خارج از مراجع صالح - ما را بر این داشت که پیشنهاد شورای حل اختلاف بدهیم که مورد پذیرش قضا است. با نگاه به جدول موجود جرایم و تخلفات در صورت تفکیک می‌توان به تعداد حداکثر پنج عنوان مجرمانه دست یافت که اجماعی است: ۱- جرم اقدام علیه امنیت کشور، ۲- افشای اسرار نظامی، ۳- جاسوسی و ترویج جنگ و نفرت نژادی و قومی و مذهبی، ۴- افشای اسناد مجرمانه سیاست خارجی، ۵- هرزه‌نگاری و ترویج تصاویر مستهجن خلاف اخلاق و عفت عمومی.

بنابر آنچه در متن آمده است جرم‌انگاری‌های مربوط به شخصیت معنوی افراد نیز می‌تواند در شمول شبه‌جرم قرار گیرد تأکید این تحقیق بر توسعه مسئولیت مدنی مطابق سیاست‌های کلی نظام قضایی می‌باشد چنان‌که در ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم و برنامه پنجم توسعه کشور آمده است هدف از کیفرزدایی و حبس‌زدایی ترویج و تقویت مسئولیت

مدنی اشخاص است و با توجه به ابعاد ناشناخته توسعه تکنولوژی، طبیعی است که با قاعده (قانونی بودن جرم و مجازات) بسیاری از مسایل نوپدید را پوشش نمی‌دهد در حالی که مسئولیت مدنی و مبانی آن در هر زمان و نسبت به همه مسایل مطروحه قابلیت تطبیق دارد و عملاً هیچ زیانی بدون جبران باقی نخواهد ماند.

توسعه مسئولیت مدنی انواع روش‌های جبران خسارت را پیش‌رو می‌نهد و می‌توان با توجه به ویژگی شخصیت شرایط و اوضاع و احوال زیان‌دیده روش مناسب حال او را اعمال کرد. گستره عملکرد جبران خسارت ضمن سهولت و سرعت عمل در تأمین خسارت و بازگشت به شرایط قبلی، فرهنگ قانونمندی را رواج می‌دهد از آنجا که پول وجه خاص در زندگی روزمره افراد دارد برای مقصر و زیان‌دیده بطور ملموس قابل فهم است و برخلاف مجازات زندان که هزینه‌های نگهداری و تأمین بهداشت و سلامت و غذای زندانی را باید فراهم آورد و ناخواسته هزینه این اقدام را مالیات‌دهندگان باید پردازند در مسئولیت مدنی شخص خودش باید هزینه اقدامات خلاف قانون را پرداخت کند و تبعات و آسیب‌های اجتماعی زندان را به‌همراه ندارد.

پیشنهادات:

نویسندگان مقاله بنابر تجربه بیست و چند ساله در حوزه مسئولیت‌های گوناگون رسانه‌ای و مطبوعاتی پیشنهاداتی بشرح ذیل برای اصلاح قانون در دست اقدام (لایحه قانونی قانون جامع رسانه‌های همگانی) ارائه می‌کند.

در این قسمت از تکرار پیشنهادات گذشته خودداری می‌شود.

۱- تنظیم مقررات گذاری صنفی در رسیدگی به تخلفات رسانه‌ای و مطبوعات بطور مشترک بین دولت و نهاد صنفی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران، انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان ایران و انجمن‌های دیگر مرتبط با رسانه‌ها و دارای مجوز قانونی.

۲- ایجاد نظام صنفی داوری رسانه‌نگاران (ویژه خبرنگاران، گزارشگران و تحلیل‌گران) رسانه‌های مکتوب و ماهواره‌ای پخش مستقیم، رادیو و تلویزیون، اینترنتی ...

۳- ایجاد شورای عالی رسانه‌ها به منظور پذیرش مسئولیت نظام تأسیس و نظام اداره رسانه‌ها.

۴- لغو نظام تأسیس پیشگیرانه و برقراری نظام اعلام‌نامه‌ای بر رسانه‌ها در گام نخست اشخاص با اعلام مشخصات لازم به شورای مربوط به مدت ۳۰ روز منتظر پاسخ بمانند در صورت عدم پاسخ به منزله قبول تلقی شود.

۵- تأکید بر شکل‌گیری شرکت‌ها و مؤسسات حقوقی رسانه‌ای و مطبوعاتی «بجای شخص حقیقی» با هدف پیشگیری از انحصار قدرت رسانه‌ای / هیچ فردی نمی‌تواند بیش از ۴۰ درصد سهام یک مؤسسه رسانه‌ای را دارا باشد هر شخص حداکثر در ۴ مؤسسه رسانه‌ایی می‌تواند سهام‌دار باشد.

هر مؤسسه متقاضی باید متشکل از حداقل سه نفر با تخصص لازم در رسانه موردنظر باشند.

۶- کلیه مؤسسات مطبوعاتی و رسانه‌ای ملزم به اخذ بیمه مسئولیت باشند.

۷- مجازات توقیف بیش از ۱۰ روز و لغو امتیاز حذف گردد. در صورت پذیرش اعلام-نامه لغو امتیاز عملاً بلاموضوع است.

۸- ایجاد صندوق بیمه جبران خسارات رسانه‌ها و رسانه‌نگاران از محل یارانه‌های اختصاصی به مطبوعات.

۹- ایجاد کمیسیون معاضدت قضایی با تأکید بر الزامی بودن وکیل در دادرسی‌های جزایی مطبوعاتی و رسانه‌ای.

۱۰- تعمیم تضمینات دادرسی منصفانه و عادلانه قضایی نسبت به همه دست‌اندرکاران جرم مطبوعاتی اقتضای حقوق دفاعی متهم نیز چنین است در حال حاضر فقط مدیر مسئول از این تضمین برخوردار است ضرورت اصلاح آن در پرتو عدالت قضایی الزامی می‌نماید تا نسبت به همه رسانه‌نگاران تعمیم یابد.

۱۱- مجازات شلاق حذف گردد و به جای آن از جریمه نقدی یا الزام به تحصیل - بازآموزی تخصصی - الزام به تهیه گزارشات نفع عمومی و خدمات حمایتی بهزیستی استفاده شود.

۱۲- مجازات زندان نیز در صورت لزوم به زندان باز در محدوده جغرافیایی معین تبدیل گردد - تبدیل به جزای نقدی شود گرچه اصل حمایت از اندیشه و تفکر و آزادی بیان اقتضای آن دارد که مجازات سنگین همچون زندان حذف گردد، لیکن مواردی ضروری ممکن است رخ دهد، که لابد از چنین حکمی باشد در این صورت باید با میانه‌روی و احتیاط عمل کرد. رویکرد جهانی امروز در قانونگذاری عبارت از: قوانین باید موجب توافق و اجماع همه افراد متعارف و بی‌نظر باشد قوانین نباید بطور سختگیرانه موجب محرومیت نفع عمومی به ویژه رسانه‌ها و رسانه‌نگاران شود (نقض آزادی بیان). قوانین باید منصفانه به نفع عموم جامعه باشد. قوانین باید دقیق، محدود، بدون تفسیر و برابر نیاز جامعه باشد.

۱۳- ایجاد دادگاه تخصصی رسیدگی به جرایم رسانه‌ای و مطبوعاتی با حفظ تضمینات قضایی و هیات منصفه

ضروری است که قضات و دادرسان این دادگاه‌ها با مقررات و ضرورت‌های حقوق ارتباطات در ابعاد مختلف آموزش دیده باشند و با توجه به اینکه امروزه نظام دادرسی بسوی تخصصی شدن است این مهم از پیچیدگی بسیاری برخوردار است و فهم کافی از رسانه‌های مدرن بسیار حیاتی است. لذا تخصیص شعب ویژه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی ضروری است.

۱۴- اصلاح نگاه توطئه‌گرانه نسبت به رسانه‌ها و مطبوعات و پرهیز از تفسیر قانون و توسع واژگان و قیاس در امور حقوقی و قضایی رسانه.

۱۵- تخصصی شدن فضای رسانه‌ها و مطبوعات با مقررات گذاری نظام صنفی و دولتی از طریق کدهای اخلاق حرفه‌ای.

۱۶- ایجاد نظام صنفی روزنامه‌نگاری با اختیارات نهادهای مشابه نظام پزشکی یا نظام مهندسی و کانون و کلاء.

۱۷- طرح نظام جامع رسانه‌های همگانی (وصول بتاريخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲) مجلس شورای اسلامی، به منظور انسجام، شفافیت هنجارمندی و ترتیب نظام تأسیس و اداره رسانه‌های جمعی با رویکرد جدید ارتباطی و آزادی‌گرایی پرهیز از اخذ مجوز تنظیم و تدوین نماید.

۱۸- مفاهیم و تعاریف دقیق تدوین گردد و مجازات هر جرم بطور دقیق مشخص گردد. تخلفات احصاء و به مرجع نظام صنفی و شورای حل اختلاف رسانه و شورای عالی رسانه ارجاع شود.

۱۹- از تداخل مسئولیت مراجع اداری و قضایی اکیداً پیشگیری شود و از ابهام و اجمال در مقررات گذاری پرهیز شود.

۲۰- جامعیت این قانون اقتضاء دارد که توجه ویژه به کارکرد رسانه‌های نوین و قوانین موجود همچون قانون جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اشخاصی که فعالیت غیرمجاز سمعی و بصری دارند، جایگاه شورای عالی فضای مجازی و قوانین تبلیغات بازرگانی و رادیو تلویزیونی، رسانه‌های برخط، صورت پذیرد و همگام با توسعه تکنولوژی‌های رسانه‌ای و واقعیت‌های موجود قانونگذاری شود تا در آینده شاهد تعارض و تراحم قوانین نباشیم.

۲۱- پیوند قانون جامع یا رسانه‌های صدا و سیما، سینما و کتاب و مراکز خدمات رسانه بر خط، میزبانی و دسترسی رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد و نسبت به قوانین موجود تعیین تکلیف گردد.

۲۲- جرایم رسانه‌ای که رسیدگی بدان از ابتدا در صلاحیت دادگاه صالح دادگستری است مشخص و مدون گردد. لازم است از جرم‌انگاری و توسعه عناوین مجرمانه نیز پرهیز گردد و حتی‌الامکان پنج جرم مورد توافق و اجماع جهانی را معیار قرار دهیم.

امید است با اصلاحات لازم در آینده قانون جامع رسانه‌ها، پاسخگوی نیاز مخاطبان، حقوق عمومی و رسانه‌ها باشد. بدیهی است که با درک تحولات رسانه‌های نوین مجازی و آینده تحولات این حوزه باید قانونگذاری انجام شود و از هرگونه یکسونگری و روزمره‌گی در اصلاح قوانین پرهیز نماید.

منابع:

- ال مرکس، رابرت، ۱۳۸۵، قوانین اساسی کشورهای جهان، تهران، سیدمقداد ترابی، مؤسسه مطالعات
- اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، حقوق فناوری اطلاعات، تهران، میزان، چاپ دوم.
- امامی، میرسیدحسن، ۱۳۷۷، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ج ۱ و ۳.
- انصاری، باقر، ۱۳۹۰، حقوق رسانه، تهران، سمت.
- انصاری، باقر، شیخ‌الاسلامی جهانسوز و دیگران، ۱۳۸۱، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، تهران، پژوهش ریاست جمهوری.
- ایزدی‌فر، علی اکبر، ۱۳۹۰، اندیشه‌های فقهی، تهران، جنگل، ج ۱.
- بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه دانشگاه، ۱۳۸۵، قرآن و حقوق، مشهد.
- پاد، ابراهیم، ۱۳۴۸، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، جزوه درسی دانشگاه ملی ۴۸-۴۷، نیمسال اول.
- جانسون، گلن، ۱۳۷۸، اعلامیه جهانی حقوق و تاریخچه آن، تهران، نشر نی، محمدجعفر پوینده، چاپ سوم.
- جناتی، محمدابراهیم، ۱۳۸۵، فقه و زمان، قم، ایثارگران اندیشه دینی.
- حاجی‌ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷، جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، پژوهشگاه فقه و حقوق.
- حسینی اسفیدواجانی، بشیر، ۱۳۹۱، حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران و انگلیس و آمریکا، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۷۰، مسئولیت مدنی، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک، ۱۳۷۳، حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار، تهران.
- دريو، امانوئل، ۱۳۸۱، رژیم مسئولیت مدنی و کیفری رسانه‌ها در حقوق فرانسه - مجله پژوهش‌های حقوقی - سال اول، شماره ۱.
- ذاکر حسین عبدالرحیم، ۱۳۶۸، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران.
- رحمانی، قدرت الله، ۱۳۹۱؛ نظریه یگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

- رحمت‌الهی، حسین، ۱۳۷۷، جرایم مطبوعاتی نمی‌توانند مصداق مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قرار گیرند، رسانه سال نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل، ۱۳۸۰، آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی.
- زرکلام، ستار، ۱۳۸۸، حقوق مالکیت معنوی، تهران، میزان.
- ژوردن، پاتریس، ۱۳۸۵، اصول مسئولیت مدنی، مجید ادیب، تهران، میزان، چاپ دوم.
- سعیدوزیر، خدیار، ۱۳۹۲، نظام تأسیس و نظارت بر مطبوعات ژاپن، «ارائه شده در دانشگاه علامه طباطبائی».
- شیخ‌الاسلامی، عباس، ۱۳۸۰، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، مشهد، جهاد دانشگاهی.
- شیلر، هربرت، ۱۳۷۷، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، احمد میرعابدینی، تهران، سروش.
- طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۸۷، قواعد فقه، ۳ ج، قم، انتشارات اسلامی، ج اول.
- طباطبایی مؤتمن، منوچهر، ۱۳۷۵، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران.
- قاجارقیونلو، سیامک، ۱۳۹۱، مقدمه حقوق سایبر، تهران، میزان.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی، ۱۳۸۷، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، میزان، چاپ ششم.
- قرضاوی، یوسف، ۱۳۸۹، سبب‌شناسی تغییر فتوا در عصر حاضر، محمد مقدس، تهران، تقریب المذاهب.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مسئولیت مدنی الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، دانشگاه تهران.
- کریمی، عباس، ۱۳۸۶، مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص حق و موضوع سوء استفاده...، نکوداشت دکتر حسین صفایی، سمت.
- کریمی، عباس، ۱۳۹۱، مسئولیت مدنی، تهران، جزوه درسی نیمسال اول ۹۱-۹۰.

- کریمیان راوندی، مهدی، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران در نظام‌های حقوقی ایران- انگلستان و فرانسه، تهران، نشر دادگستر.
- کلی، جنیفر، ۱۳۷۸، روزنامه‌نگاری شرافتمندانه، بررسی انصاف و رفتار منصفانه از نگاه شش دبیر امریکایی، رسانه، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸.
- گرانیپه، بهروز، ۱۳۷۸، اخلاق رسانه‌ای، رسانه، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸.
- گروهی از مؤلفان، ۱۳۸۸، حقوق مدنی تطبیقی، تهران، سمت، (یادنامه دکتر صفایی، سیدحسین).
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.
- مجردی، سعید، ۱۳۹۱، اینترنت و امنیت اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- محسنی، فرید، ۱۳۸۹، حریم خصوصی اطلاعات، مطالعه کیفی در حقوق ایران ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه، تهران، امام صادق (ع).
- محمدی، قاسم، ۱۳۹۰، جرم مطبوعاتی، تهران، نشر سمت، مقاله علامه غلام حیدر، ۱۳۸۳، قاعده لایبطل دم ... یا حمایت از بزه‌دیده در اسلام، قواعد فقه جزایی، دانشگاه علوم رضوی.
- محمدی، مجید، ۱۳۷۷، رسانه‌های همگانی و جامعه ایران، رسانه سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷.
- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران، سه جلد، مجلس شورای اسلامی- تهران (اصل ۲۴-۱۶۸).
- معاون آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، تهران، انتشارات جاودانه.
- معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۸، مقالات حقوقی در امور جزایی، تهران، نشر جنگل، ج ۱.

- معتمدنژاد، رویا، ۱۳۹۱، مفهوم نوین رسانه بخش ۱ ضمیمه جزوه درسی حقوق ارتباطات تطبیقی (کارشناسی ارشد علامه طباطبایی)، ۱۳۹۱.
- معتمدنژاد، کاظم، ۱۳۸۷، حقوق مطبوعات، تهران، مطالعات رسانه‌ها، ج ۱. چ پنجم.
- معتمدنژاد، کاظم، ۱۳۸۸، حقوق ارتباطات، تهران، مطالعات رسانه‌ها ج ۱.
- معتمدنژاد، کاظم، رویا، ۱۳۸۷، حقوق حرفه‌ای روزنامه نگاران، تهران، مطالعات رسانه‌ها، ج ۱.
- مقدم‌فر، حمید، ۱۳۷۷، جرایم مطبوعاتی، رسانه، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷.
- مقدم‌فر، حمید، ۱۳۷۷، جرم مطبوعاتی و تخلف مطبوعاتی، رسانه، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷.
- مک براید، شن، ۱۳۷۵، یک جهان چندین صدا، ایرج پاد، تهران، سروش.
- مولایی، مهرداد، ۱۳۷۸، آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر رسانه سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸.
- مهرپور، حسین، ۱۳۸۳، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، اطلاعات، چاپ دوم.
- مهرپور، حسین، ۱۳۸۷، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، دادگستر، ج اول، (از ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۵).
- میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۸۳، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چاپ چهارم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حقوق کیفری عمومی مجازات‌های جایگزین زندان، اینترنت سایت Sar.
- نجفی، توانا، علی و ملکی ایوب، ۱۳۸۶، شلاق، در پرتو اندیشه‌های کیفری، تحقیقات حقوقی دانشگاه آزاد تهران، مرکز، پاییز و زمستان، ۱۳۸۶.
- نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۶، آزادی رسانه و هویت ملی، روزنامه اعتماد، بهمن ماده ۱۳۸۶/۱۱/۲۰.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۷۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شهید بهشتی، ج ۱.

فصلنامه و نشریات

- فصلنامه مطالعاتی، ۱۳۷۷، طرح اصلاح قانون مطبوعات در بوته نقد روزنامه‌نگاران، رسانه، سال نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷.
- فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش و سنجش، سال هفتم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ویژه اینترنت.
- فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش و سنجش، سال یازدهم، شماره ۳۹ و ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ویژه رسانه و حقوق.
- فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی و مسایل ارتباط جمعی، رسانه نشریه علمی ترویجی، دوره کامل.
- فصلنامه دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تحقیقات حقوقی آزاد، پیش شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، ویژه حقوق ارتباطات.
- فصلنامه علمی ترویجی، سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۹، ویژه ارتباطات بین‌المللی.
- دو فصلنامه علمی ترویجی، مجله حقوقی، سال ۳۷^۰ شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، حقوق بشر در اسلام.
- فصلنامه علمی ترویجی، مجله حقوقی، سال - شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۳، خسارت تبیهی ...
- دو فصلنامه علمی پژوهشی، مجله تحقیقات حقوقی (بهشتی)، شماره ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، پیشگیری ورود خسارت ...

پایان نامه‌ها

- عابدی نیستانک، ربابه، مسئولیت خسارت ناشی از فعالیت‌های رسانه گروهی، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

- گل محمدی، اعظم، آموزش حقوق بشر به خبرنگاران، کارشناسی ارشد، ح.ب.س، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
- یازلو، فاطمه، مبانی جرم‌انگاری در حریم آزادی مطبوعات، کارشناسی ارشد، حقوق ارتباطات، دانشگاه علامه، ۱۳۹۰.
- سلطانی، عبدالرسول، حقوق مخاطبان مطبوعات با تأکید بر حق حریم خصوصی و پاسخ‌گویی، کارشناسی ارشد، ح ارتباطات، علامه، ۱۳۹۰.
- پاکزاد کردکلانی، وحید، جایگاه روزنامه نگاران آزاد در نظام حقوقی ایران، کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، علامه ۱۳۸۹.
- میرسلیمانی عزیزی، مهدی، جرم انتشار اسرار شخصی و خانوادگی در فضای سایبر کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، علامه ۱۳۹۰.
- عراقچی، عباس، بررسی اعلامیه حقوق بشر اسلامی، قاهره، کارشناسی ارشد ح.ب، دانشگاه علامه، ۱۳۸۷.
- محمدزاده، ابوالقاسم، خودنظام‌دهی مطبوعات، کارشناسی ارشد ح ارتباطات، دانشگاه علامه، ۱۳۹۰.
- علی‌بخشی، زهرا ویژگی‌های رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، کارشناسی ارشد ح ارتباطات، دانشگاه علامه، ۱۳۹۰.

کتاب شناسی عربی

- الجوزیه، ابن تیم، اعلام الموقیعت عن رب العالمین، محمد عبدالاسلام ابراهیم، دارالکتب العلمیه، بیروت ط ۱- ۱۹۹۱ میلادی.
- القرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام دایره المعارف، فرید وجدی محمد، دارالمعرفه الطباعه و النشر بیروت، ۱۹۷۱ میلادی.
- الدار قطنی البغدادی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، دارالمعرفه، بیروت، ۳۸۶ ه-ق.
- علی البیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، منشورات دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ه-ق.
- السنایی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ه-ق.
- النجاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، منشورات دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ ه-ق.

- الکوفی، ابن ابی شیبیه، المصنف، منشورات دارالفکر، بیروت ۱۴۰۹ه.ق.
- رشیدرضا سیدمحمد، المنار فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت.
- موسوی البجنوردی، سیدمحمد، القواعد الفقیهه، مجد، تهران. ۱۳۸۷.
- حسینی المراغی، میرعبدالفتاح، العناوین فی قواعد الفقه المدنی، نشر جنگل، تهران، ۱۳۸۸.
- النیراوی، خدیجه، موسعه حقوق الانسان فی الاسلام، داراسلام، لطباعه و النشر و التوزیع، القاہرہ، ۲۰۰۸ میلادی.

کتاب‌شناسی انگلیسی

- Council of eurpe committee of ministers, Declaration on the Freedom of Erpress and information (adopted by the committed of ministers on 29 Aprnl 1982 atis 70th session.
- Convention on cybercrime- BudAPSET 23 XI 2001.
- <http://conventionscoe.int/treaty/en/Treaties/html/185.htm>.
- 15- 16 November 2002 UNESCO. Paris- Reiport.
- Law and the Media. Duncan Bloy and Sara Hadwin Sweet & Maxmell London. 2007.

قوانین و اسناد بین‌المللی

- قانون اساسی جمهوری اصلاحات. *مجموعه مقالات فرنگی*
- قانون مدنی.
- قانون مسئولیت مدنی. *رتال جامع علوم انسانی*
- قانون مطبوعات و آئین نامه اجرایی آن به انضمام آخرین اصلاحات.
- قانون مجازات اسلامی.
- قانون جرایم رایانه‌ای.
- قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با مطبوعات و رسانه‌ها.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه، ۱۸۸۱.

- قرارداد بین‌المللی پیشگیری از اشاعه نشریات منافعی عفت و اخلاق عمومی ۱۰ مه، ۱۹۴۹، لیک سانسی.
- معاهده بین‌المللی جلوگیری از نشر و معامله نشریات مستهجن ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳ ژنو.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، ۱۳۴۸ ایران پذیرفته شد.
- میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی اقتصادی - فرهنگی در سال ۱۳۵۱ در ایران پذیرفته شد.
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۵ اوت ۱۹۹۰ قاهره، ۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۱.
- گزارش کمیسیون بین‌المللی مطالعه در مسایل ارتباطات - سون مک براید.
- اعلامیه پیشبرد صلح توسط مطبوعات اولین کنگره بین‌المللی مطبوعات ۷ تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۸ آنورلژیک.
- عهدنامه تصحیح اخبار نادرست جامعه ملل ۱۹۳۷.
- عهدنامه بین‌المللی کاربرد پخش رادیویی برای صلح ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۶ جامعه ملل.
- عهدنامه اتحادیه حمایت از حقوق مؤلفان در ۹ اکتبر ۱۸۸۶ برن سوئیس.
- عهدنامه جهانی حق مؤلف ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ ژنو اصلاحی اول ژانویه ۱۹۷۶.
- قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره آزادی اطلاعات برای حفظ صلح ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶.
- قطعنامه مجمع عمومی ضرورت اقدام رسانه‌ها و مطبوعات بر علیه جنگ ۳ نوامبر ۱۹۴۷.
- قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد راجع به تصحیح اخبار تحریف شده و نادرست ۱۵ نوامبر ۱۹۴۷.
- اعلامیه کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات ۲۳ مارس ۱۹۴۸ ژنو و تشکیل کمیسیون فرعی آزادی اطلاعات و مطبوعات در سازمان ملل متحد و یونسکو.
- عهدنامه اروپایی حراست از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی ۴ نوامبر ۱۹۵۰ - ماده ۱۰ این اعلامیه مشهور است.
- عهدنامه آمریکایی حقوق بشر ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ ماده ۱۳ این اعلامیه ویژه آزادی بیان است.

- منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، ژوئن ۱۹۸۱.
- منشور کشورهای عربی درباره حقوق بشر مصوب ۱۹۹۴ و اصلاحی ۲۰۰۴.
- منشور کشورهای آسیایی درباره حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸.

